



Audit
Organization

Developing a Comprehensive Model of Forward-looking Intellectual Capital Disclosure in Annual Reports

Alireza Sajadian

Accounting Department, Ya. C., Islamic Azad University, Yazd, Iran.
Email: a.sajadian6513@iau.ir

Akram Taftiyan

*Corresponding Author, Accounting Department, Ya. C., Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: taftiyan@iauyazd.ac.ir

Mahmoud Moeinadin

Accounting Department, Ya. C., Islamic Azad University, Yazd, Iran.
Email: mahmoudmoein1352@iau.ac.ir

Abstract

Intellectual capital is recognized as one of the most important drivers of corporate value creation and sustainable competitive advantage. However, forward-looking intellectual capital information is rarely disclosed systematically in annual reports, limiting transparency and increasing information asymmetry among investors and other stakeholders. Although previous studies have extensively examined intellectual capital disclosure, most have focused on historical disclosure practices or disclosure levels rather than developing a comprehensive framework for forward-looking intellectual capital disclosure. This applied research adopted an exploratory mixed-methods design. In the qualitative phase, data were collected through semi-structured interviews with 17 academic and professional experts, including university professors, certified public accountants, financial managers, audit partners, and capital market specialists. Purposeful sampling continued until theoretical saturation was achieved. The qualitative data were analyzed using Attride-Stirling's thematic analysis approach. Based on the extracted basic themes, a researcher-developed questionnaire consisting of 66 items measured on a five-point Likert scale was designed. A pilot study involving 30

respondents was conducted to refine the questionnaire. In the quantitative phase, the statistical population consisted of certified public accountants, financial executives, capital market analysts and brokers, audit firm managers, senior financial managers, and officials of the Securities and Exchange Organization. Because the population size was unknown, a sample of 384 respondents was determined using Cochran's formula for an infinite population. The proposed model was evaluated using Confirmatory Factor Analysis (CFA) in LISREL to assess construct validity, composite reliability, convergent validity, and model fit. The qualitative findings identified a comprehensive framework comprising seven global themes, fifteen organizing themes, and sixty-six basic themes representing the dimensions of forward-looking intellectual capital disclosure. These dimensions include structural capacities and requirements, managerial orientations and market pressures, forward-looking human capital, forward-looking structural capital, forward-looking relational capital, information standards and uncertainty management, and future performance and returns. The quantitative findings confirmed that all constructs exhibited significant factor loadings, satisfactory composite reliability, acceptable convergent validity, and favorable goodness-of-fit indices. Overall, the empirical evidence supported the validity and reliability of the proposed conceptual model. The findings indicate that effective forward-looking intellectual capital disclosure requires systematic reporting of intangible resources, organizational capabilities, strategic initiatives, future opportunities, potential risks, and value-creation prospects.

Keywords: Forward-looking Intellectual Capital Disclosure; Intellectual Capital; Annual Reports; Thematic Analysis; Confirmatory Factor Analysis; Corporate Reporting.

Citation: Sajadian, A., Taftiyan, A. & Moeinadin, M. (2026). Developing a Comprehensive Model of Forward-looking Intellectual Capital Disclosure in Annual Reports. *Applied Research in Financial Reporting*, 15(1), 267-320. [In Persian].

طراحی الگوی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه

علیرضا سجادیان

دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

رایانامه: a.sajadian6513@iau.ir

اکرم تفتیان

* نویسنده مسئول، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

رایانامه: taftiyan@iauyazd.ac.ir

محمود معین‌الدین

گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

رایانامه: mahmoudmoein1352@iau.ac.ir

چکیده

سرمایه فکری به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع خلق ارزش و مزیت رقابتی شرکت‌ها، نقش اساسی در ارتقای عملکرد و ارزش بازار سازمان‌ها ایفا می‌کند. با این حال، بخش قابل توجهی از اطلاعات مرتبط با سرمایه فکری، به ویژه اطلاعات آینده‌نگر، در گزارش‌های سالانه به صورت منسجم افشا نمی‌شود. این موضوع موجب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش شفافیت و محدود شدن توان سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان در ارزیابی ظرفیت‌های ارزش‌آفرینی آتی شرکت‌ها می‌شود. از این رو، هدف پژوهش حاضر طراحی و اعتبارسنجی الگوی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه شرکت‌ها با تأکید بر شرایط گزارشگری و محیط اقتصادی ایران است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر

شیوه اجرا، از نوع آمیخته اکتشافی است. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۷ نفر از خبرگان شامل استادان دانشگاه، مدیران مالی، مدیران شرکت‌های حسابرسی، اعضای جامعه حسابداران رسمی و متخصصان بازار سرمایه گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام گرفت و تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌های کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمون آتراید-استرلینگ تحلیل و الگوی اولیه پژوهش استخراج شد. بر اساس مضامین پایه، پرسشنامه‌ای محقق ساخته شامل ۶۶ گویه بر مبنای طیف پنج درجه‌ای لیکرت طراحی شد. به منظور بررسی قابلیت استفاده از ابزار، پرسشنامه در یک مطالعه پایلوت با مشارکت ۳۰ نفر اجرا و پس از انجام اصلاحات لازم نهایی شد. در بخش کمی، جامعه آماری شامل مدیران، اعضای جامعه حسابداران رسمی، تحلیل‌گران و کارگزاران بازار سرمایه، مدیران و اعضای سازمان بورس و اوراق بهادار، مدیران رده عالی و میانی شرکت‌های حسابرسی و مدیران ارشد مالی شرکت‌ها و مؤسسات بود. با توجه به نامشخص بودن حجم جامعه آماری، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برای جوامع نامحدود ۳۸۴ نفر تعیین شد. در نهایت، داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار لیزرل و تحلیل عاملی تأییدی به منظور ارزیابی روایی، پایایی و برازش مدل مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های مرحله کیفی نشان داد الگوی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر از هفت مضمون فراگیر، پانزده مضمون سازمان‌دهنده و شصت و شش مضمون پایه تشکیل شده است. این مضامین ابعاد اصلی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر شامل ظرفیت‌ها و الزامات ساختاری، تمایلات مدیریتی و فشارهای بازار، سرمایه انسانی آینده‌نگر، سرمایه ساختاری آینده‌نگر، سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر، استانداردهای اطلاعاتی و مدیریت عدم قطعیت و بازدهی و عملکرد آتی را پوشش می‌دهند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد تمامی شاخص‌ها دارای بارهای عاملی معنادار بوده و مقادیر پایایی مرکب، میانگین واریانس استخراج شده و شاخص‌های برازش مدل در محدوده قابل قبول قرار دارند. همچنین، نتایج بیانگر برخورداری الگوی پیشنهادی از روایی و پایایی مناسب و تأیید ساختار مفهومی آن توسط داده‌های تجربی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد افشای سرمایه فکری آینده‌نگر مستلزم ارائه نظام‌مند اطلاعات مرتبط با منابع نامشهود، قابلیت‌های دانشی، برنامه‌های راهبردی، فرصت‌ها، ریسک‌ها و ظرفیت‌های ارزش آفرینی آینده شرکت‌ها است. الگوی ارائه شده می‌تواند به عنوان چارچوبی بومی برای توسعه گزارشگری سرمایه

فکری آینده‌نگر در شرکت‌های ایرانی مورد استفاده قرار گیرد و زمینه ارتقای کیفیت گزارش‌های سالانه، افزایش شفافیت اطلاعاتی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان را فراهم سازد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه فکری آینده‌نگر، تحلیل مضمون، تحلیل عاملی تاییدی.

استناد: سجادیان، علیرضا؛ تفتیان، اکرم؛ معین‌الدین، محمود (۱۴۰۵). طراحی الگوی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۵(۱)، صص ۲۶۷-۳۲۰.

پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۴۰۵، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۲۶۷-۳۲۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

ناشر: سازمان حسابرسی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۸

نوع مقاله: علمی پژوهشی

Doi: 10.22034/arfr.2026.586030.2257

مقدمه

در سال‌های اخیر، بحث‌های گسترده‌ای در سطح بین‌المللی در مورد نحوه گزارشگری کسب و کار به وجود آمده است. دلیل این موضوع، نارضایتی فزاینده از عملکرد گزارشگری مالی^۱ به عنوان ابزاری برای ارائه اطلاعات لازم درباره فرآیند ایجاد ارزش در سازمان‌هاست (دی ویلیر و همکاران^۲، ۲۰۱۴). بنابراین نگرانی‌های رو به رشد درباره کاستی‌های گزارشگری مالی سنتی، اهمیت افشای اطلاعات غیرمالی را برجسته کرده است؛ این نوع اطلاعات توسط راب و همکاران^۳ (۲۰۰۱) به عنوان «تمام اطلاعاتی که شرکت‌ها خارج از صورت‌های مالی منتشر می‌کنند» تعریف شده و عموماً مرتبط با مسائل مسئولیت اجتماعی شرکتی و سرمایه فکری است.

بر این اساس در سال‌های اخیر، شرکت‌ها به شدت به سمت مدیریت عوامل ارزش‌آفرین غیرمادی مانند سرمایه فکری^۴ حرکت کرده‌اند (لیو^۵، ۲۰۰۱). سرمایه فکری بدون شک یکی از عناصر کلیدی در ایجاد ارزش سازمانی محسوب می‌شود و حول محور دانش، اطلاعات و ظرفیت آن‌ها در تولید ارزش شکل گرفته است؛ اگرچه تعریف واحدی برای آن وجود ندارد، اما توافق عمومی بر این است که نقش بنیادینی در عملکرد و موفقیت بلندمدت سازمان‌ها ایفا می‌کند (ادوینسون و مالون^۶، ۱۹۹۷). گزارشگری سرمایه فکری^۷ به ایجاد ارزش سازمان‌ها کمک می‌کنند، در حالی که این ابعاد در گزارشگری مالی سنتی به خوبی در نظر گرفته نمی‌شوند؛ بنابراین گزارشگری سرمایه فکری به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای تحقق اهداف استراتژیک، نقش مهمی در تقویت پایداری و بهبود تصویر عمومی شرکت‌ها ایفا می‌کند (پولو و وازکز^۸، ۲۰۰۸).

افشای سرمایه فکری به عنوان یکی از عناصر کلیدی در گزارشگری غیرمالی، به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است (شورای گزارشگری یکپارچه بین‌المللی^۹، ۲۰۱۳). این نوع افشای اطلاعات شامل برنامه‌ها، استراتژی‌ها و فرصت‌های استفاده از دارایی‌های غیرمادی برای ایجاد ارزش بلندمدت است (دومی و کای^{۱۰}، ۲۰۱۷). به عبارت دیگر، افشای آینده‌نگر^{۱۱} سرمایه فکری اطلاعاتی است که شرکت‌ها در مورد نحوه به کارگیری منابع دانشی، نوآوری‌ها و استعدادهای انسانی در آینده ارائه می‌دهند (گارانینا و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۷).

افشای سرمایه فکری به عنوان یک الگو در گزارشگری آینده‌نگر شناخته می‌شود (دومی و تول^{۱۳}، ۲۰۰۷). اطلاعات موجود در گزارش‌های شرکتی را می‌توان به دو دسته اطلاعات

گذشته‌نگر^{۱۴} و اطلاعات آینده‌نگر^{۱۵} تقسیم کرد (هوسینی^{۱۶}، ۲۰۰۴). اطلاعات گذشته‌نگر شامل نتایج مالی گذشته و افشای مربوطه است (الجیفری و هوسینی^{۱۷}، ۲۰۰۷). در حالی که اطلاعات آینده‌نگر شامل برنامه‌های فعلی و پیش‌بینی‌های آینده است که تصویری از چشم‌اندازهای آینده شرکت ارائه می‌دهد (الخطیب^{۱۸}، ۲۰۱۴).

گزارش‌های سالانه سنتی بیشتر تاریخی هستند و اطلاعات لازم درباره چشم‌اندازهای آینده و ریسک‌های بالقوه را فراهم نمی‌کنند (جنسن و برگ^{۱۹}، ۲۰۱۲). اطلاعات آینده‌نگر به اطلاعاتی اطلاق می‌شود که به پیش‌بینی‌ها، انتظارات و برنامه‌های آینده یک شرکت اشاره دارد. این نوع اطلاعات به ذینفعان کمک می‌کند تا درک بهتری از عملکرد آینده شرکت داشته باشند؛ در واقع این اطلاعات به عنوان یک ابزار به شرکت‌ها کمک می‌کند تا به ذینفعان خود اطلاعات مفیدی درباره آینده ارائه دهند (بوزولان و همکاران^{۲۰}، ۲۰۰۹؛ بیر و دای^{۲۱}، ۲۰۱۲). اطلاعات آینده‌نگر شامل ارزیابی‌های ریسک و فرصت‌ها، برنامه‌های مدیریتی، پیش‌بینی‌های تجاری و داده‌های پیش‌بینی شده درباره عملیات شرکت است. این اطلاعات به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران کمک می‌کند تا تصمیمات بهتری در مورد سرمایه‌گذاری‌های خود بگیرند (شورای گزارشگری یکپارچه بین‌المللی، ۲۰۱۳). با وجود اهمیت اطلاعات آینده‌نگر، بسیاری از شرکت‌ها از افشای این نوع اطلاعات خودداری می‌کنند. این عدم تمایل ممکن است به دلیل ترس از تأثیرات منفی بر روی شرکت یا جذب توجهات ناخواسته باشد (ویلیامز^{۲۲}، ۲۰۰۱).

با توجه به پویایی محیط اقتصادی، ذینفعان به اطلاعات آینده‌نگر نیازمندند (برتا و بوزولان^{۲۳}، ۲۰۰۴؛ منیکوچی^{۲۴}، ۲۰۱۳). بنابراین، افشای آینده‌نگر به تمام ذینفعان کمک می‌کند تا دید بهتری نسبت به آینده شرکت داشته باشند و شامل پیش‌بینی‌های مالی (مانند هزینه‌های سرمایه‌ای، اهداف درآمدی، پیش‌بینی جریان نقدی و فروش سال آینده) و غیرمالی (مانند ریسک‌ها و عدم اطمینان‌ها) است (الجیفری و هوسینی، ۲۰۰۷؛ براوو^{۲۵}، ۲۰۱۶).

برخی مطالعات نشان داده‌اند که بازار به شرکت‌هایی که اطلاعات سرمایه فکری را افشای می‌کنند در بلندمدت ارزش بیشتری می‌دهد (مار^{۲۶}، ۲۰۰۳).

برای توضیح منطق افشای سرمایه فکری، نظریه‌های مختلفی وجود دارد که شامل نظریه نمایندگی، نظریه ذینفعان (گوثری و همکاران، ۲۰۰۶)، نظریه مشروعیت (به عنوان مثال، دیگان^{۲۸} (۲۰۰۲)) و نظریه سیگنال‌دهی می‌شوند. از دیدگاه نظریه نمایندگی، افشای سرمایه

فکری به عنوان راهکاری برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران مطرح می‌شود (هیلی و پالپو^{۲۹}، ۲۰۰۱). عدم تقارن اطلاعاتی زمانی اتفاق می‌افتد که یک طرف در رابطه عاملیت (معمولاً مدیران) دارای اطلاعات خصوصی و برتری اطلاعاتی نسبت به طرف دیگر (سهامداران) باشد. این وضعیت در بیشتر محیط‌های کسب و کاری وجود دارد، زیرا مدیران مستقیماً در فعالیت‌های روزمره شرکت مشارکت دارند و دانش بیشتری نسبت به سهامداران دارند (آن و همکاران^{۳۰}، ۲۰۱۱). نظریه ذی‌نفعان بر روی گروه‌هایی مانند سرمایه‌گذاران، مشتریان و اعتباردهندگان تمرکز دارد و معتقد است که گزارشگری سرمایه فکری می‌تواند به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ارائه تصویری عادلانه از ارزش شرکت کمک کند. طبق نظریه مشروعیت، افشای سرمایه فکری ابزاری مناسب برای تضمین انطباق فعالیت‌های شرکت با الزامات قانونی و انتظارات بازار است. نظریه سیگنال‌دهی نیز بر این نکته تأکید دارد که گزارشگری سرمایه فکری می‌تواند به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و صاحبان سهام کمک کند و به افزایش ارزش شرکت منجر شود. با توجه به دیدگاه‌های نظری موجود، آن، داوی و ایگلتن (۲۰۱۱) استدلال می‌کنند که یک چارچوب مناسب برای افشای سرمایه فکری نمی‌تواند فقط بر یکی از این رویکردها استوار باشد، بلکه باید تلفیقی از تمامی آن‌ها باشد.

در زمینه شیوه‌های بین‌المللی گزارشگری در خصوص سرمایه فکری، باید توجه داشت که یک چارچوب استاندارد برای گزارشگری سرمایه فکری وجود ندارد؛ و تنها در برخی کشورها (مانند دانمارک و سوئد) گزارش‌های مستقل و اختصاصی درباره سرمایه فکری وجود دارد، در حالی که در بیشتر کشورها تمایل به محدود کردن افشای این نوع اطلاعات وجود دارد (سینکوینی و همکاران^{۳۱}، ۲۰۱۲).

به همین دلیل شرکت‌ها اطلاعات سرمایه فکری و غیرمالی را به صورت اختیاری در انواع گزارش‌ها از جمله گزارش‌های سالانه، گزارش‌های سرمایه فکری، گزارش‌های پایداری، گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی و گزارش‌های یکپارچه منتشر می‌کنند (موریسن و همکاران^{۳۲}، ۲۰۱۳؛ شورای گزارشگری یکپارچه بین‌المللی، ۲۰۱۳). چارچوب گزارشگری یکپارچه به طور خاص بر اهمیت افشای اطلاعات "سرمایه‌ها" تأکید دارد و ایجاد ارزش در بلندمدت را هدف قرار می‌دهد. این چارچوب افشای اطلاعات آینده‌نگر درباره نحوه توسعه سرمایه فکری را با ایجاد ارزش آینده شرکت پیوند می‌دهد.

(شورای گزارشگری یکپارچه بین‌المللی، ۲۰۱۳). علاوه بر این، سرمایه‌گذاران به هر نوع اطلاعاتی که بتواند به ارزیابی ارزش شرکت و تصمیم‌گیری آگاهانه کمک کند، علاقه‌مند هستند (سوارتز و همکاران^{۳۳}، ۲۰۰۶).

دلیل اصلی توزیع این اطلاعات در گزارش‌های مختلف به‌ویژه گزارش‌های سالانه و گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت است، که این امر خطر از دست دادن یا همپوشانی محتوای خاص سرمایه فکری را افزایش می‌دهد. لذا، نیاز به یک مدل افشای سرمایه فکری برای اطلاعات غیرمالی به‌طور گسترده مطرح شده است (لیو و زامبون^{۳۴}، ۲۰۰۳؛ ناردو و ولتری^{۳۵}، ۲۰۱۴) که این موضوع هم توسط عملکردگران (ولتری و ناردو، ۲۰۰۸؛ دی مارتینی و پائولینی^{۳۶}، ۲۰۱۳). و هم گروه‌های متخصص (اینیسیاتو گزارش‌دهی جهانی^{۳۷}، ۲۰۱۱) مورد حمایت قرار گرفته است. در این راستا، دستورالعمل ۹۵/۲۰۱۴/EU که الزامات افشای اطلاعات غیرمالی برای واحدهای عمومی و شرکت‌های بزرگ را تعیین می‌کند، تلاش کرده است این شکاف را پر کند (ونتورلی و همکاران^{۳۸}، ۲۰۱۷).

با توجه به شرایط اقتصادی ایران، از جمله نوسانات محیط کسب‌وکار، افزایش عدم قطعیت‌های اقتصادی، محدودیت‌های تأمین مالی، تحریم‌های بین‌المللی و رشد اهمیت دارایی‌های نامشهود در خلق ارزش، نیاز به ارائه اطلاعاتی فراتر از اطلاعات مالی گذشته‌نگر بیش از پیش احساس می‌شود. در چنین شرایطی، افشای اطلاعات آینده‌نگر، به‌ویژه در حوزه سرمایه فکری، می‌تواند با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش شفافیت، بهبود ارزیابی ظرفیت‌های ارزش‌آفرینی شرکت‌ها و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان همراه باشد (اکلس و کروزر^{۳۹}، ۲۰۱۸؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^{۴۰}، ۲۰۲۳).

همچنین، چارچوب مفهومی گزارشگری مالی هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری بر ارائه اطلاعات مربوط و سودمند برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تأکید دارد و استاندارد بین‌المللی پایداری شماره ۱ نیز افشای اطلاعات مرتبط با فرصت‌ها، ریسک‌ها و چشم‌اندازهای آتی را از الزامات گزارشگری نوین می‌داند (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^{۴۱}، ۲۰۱۸؛ هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری^{۴۲}، ۲۰۲۳). در ایران نیز «چارچوب نظری گزارشگری مالی» سازمان حسابرسی بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی از جمله مربوط بودن و سودمندی در تصمیم‌گیری تأکید کرده و دستورالعمل افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، گزارش هیئت‌مدیره را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های گزارش

سالانه برای ارائه اطلاعات تحلیلی و چشم‌انداز فعالیت شرکت معرفی کرده است (سازمان حسابرسی، ۱۴۰۲؛ سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۴۰۱). با وجود این، مطالعات پیشین عمدتاً بر سنجش میزان افشای سرمایه فکری یا بررسی عوامل مؤثر بر آن متمرکز بوده‌اند و تاکنون الگوی جامعی برای افشای سرمایه فکری آینده‌نگر متناسب با الزامات گزارشگری و ویژگی‌های محیط اقتصادی ایران ارائه نشده است. نوآوری پژوهش حاضر در طراحی و اعتبارسنجی یک الگوی بومی برای افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه است که با بهره‌گیری از رویکرد آمیخته، ضمن استخراج ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی از دیدگاه خبرگان، اعتبار آن را از طریق تحلیل عاملی تأییدی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش می‌تواند زمینه ارتقای کیفیت گزارش‌های سالانه، افزایش شفافیت اطلاعاتی و ارائه شواهدی برای تدوین رهنمودها و استانداردهای افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در بازار سرمایه ایران را فراهم آورد.

با توجه به مزایای گوناگونی که افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه به دنبال دارد؛ مانند کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، بهبود شیوه‌های گزارش‌دهی و افزایش شفافیت، پاسخگویی به انتظارات ذی‌نفعان، ایجاد ابزارهای استراتژیک، ارتقاء اعتبار سازمانی، شناسایی فرصت‌ها، بهینه‌سازی منابع داخلی و کاهش هزینه سرمایه، اما هنوز در ایران مورد اقبال چندانی قرار نگرفته است. مطالعات نشان می‌دهند که موضوعات تحقیقاتی مرتبط با سرمایه فکری آینده‌نگر در ایران اغلب فاقد چارچوب نظری جامع و روش‌های کیفی و کمی قابل اعتماد هستند، در حالی که چنین مطالعاتی می‌توانند به تعیین استراتژی‌های توسعه بلندمدت کمک کنند. بنابراین، توجه به سرمایه فکری آینده‌نگر نه تنها یک موضوع مهم، بلکه یک ضرورت استراتژیک است که نیازمند رویکردی علمی و داده‌محور است.

شکاف این پژوهش این است که اگرچه اطلاعات گذشته‌نگر بر داده‌های واقعی و موجود استوار است، این داده‌ها به رویدادهای گذشته مربوط هستند و لزوماً بیانگر شرایط و عملکرد آینده نیستند. در نبود اطلاعات آینده‌نگر شفاف و قابل اتکا، سرمایه‌گذاران نمی‌توانند با اطمینان تشخیص دهند که آیا عملکرد آتی شرکت صرفاً ادامه روند گذشته خواهد بود یا اینکه مدیران تغییرات، فرصت‌ها و تهدیدهایی را شناسایی کرده‌اند که ممکن است بر عملکرد آینده شرکت تأثیرگذار باشند. متأسفانه، این نکته یک سؤال حل‌نشده در چارچوب رویه‌های گزارش‌دهی غیرمالی است که اغلب نیاز به عملیاتی کردن اصل

بیان‌شده در مورد «جهت‌گیری آینده» اطلاعات افشا شده در گزارش‌ها را نادیده می‌گیرند (منیکوچی، ۲۰۱۸). مطالعات پیشین عمدتاً به گزارش‌های سالانه سنتی پرداخته‌اند که اساساً به افشای داده‌های گذشته‌نگر در مورد فعالیت‌ها و عملکرد سازمان گرایش دارند (جنسن و برگ، ۲۰۱۲). در عوض، مطالعات کمی آینده‌نگر را در گزارش‌های یکپارچه بررسی کرده‌اند، بنابراین نیاز به بررسی بیشتر در مورد موضوعی که هنوز یک نقطه ضعف بالقوه در معماری کلی گزارش‌گری یکپارچه است را برجسته می‌کند (دومی و همکاران، ۲۰۱۶؛ استاکزینی و همکاران^{۴۳}، ۲۰۱۶؛ منیکوچی، ۲۰۱۸). بنابراین کمبود الگو در زمینه سرمایه فکری اولین شکاف پژوهش است که باید کمبود آن احساس می‌شود. شکاف دیگر مربوط به کمبود مطالعات آینده‌نگر در حوزه گزارش دهی غیرمالی به ویژه سرمایه فکری است.

از آنجا که با تغییرات سریع در محیط اقتصادی، اطلاعات مالی سنتی به تنهایی نمی‌تواند نیازهای اطلاعاتی ذینفعان را برآورده کند. اطلاعات آینده‌نگر به ذینفعان کمک می‌کند تا درک بهتری از عملکرد آینده شرکت‌ها داشته باشند (بوزولان و همکاران ۲۰۰۳؛ بیر و دای، ۲۰۱۲)؛ و این امر به پر کردن شکاف‌های موجود در ادبیات تحقیق در زمینه افشای اطلاعات سرمایه فکری آینده‌نگر کمک می‌کند و به درک بهتر از رفتارهای گزارش‌دهی داوطلبانه می‌انجامد (ملونی، ۲۰۱۵)؛ نظر به فقدان یک الگوی جامع، منسجم و یکپارچه در زمینه افشای سرمایه فکری آینده‌نگر، مطالعه پیش رو به این مهم می‌پردازد. بنابراین سوال اصلی این پژوهش این است که الگوی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر چگونه است؟ آیا الگوی ارائه شده از اعتبار لازم برخوردار است؟

این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است. پس از مقدمه، در بخش دوم روش‌شناسی پژوهش شامل رویکرد پژوهش، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری، شیوه گردآوری داده‌ها و روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و کمی ارائه شده است. بخش سوم به ارائه یافته‌های پژوهش اختصاص دارد؛ به گونه‌ای که ابتدا الگوی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر بر اساس تحلیل مضمون استخراج شده و سپس اعتبار الگوی پیشنهادی با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بررسی شده است. در بخش چهارم، یافته‌ها مورد بحث و تفسیر قرار گرفته و با پیشینه پژوهش مقایسه شده‌اند و در پایان، نتیجه‌گیری، کاربردهای پژوهش، محدودیت‌ها و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده ارائه شده است.

مبانی نظری و پیشینه

سرمایه فکری از سه مولفه سرمایه انسانی، ساختاری و رابطه‌ای تشکیل شده است. در این چارچوب، سرمایه انسانی شامل ویژگی‌های فردی و سازمانی کارکنان است که دانش، مهارت‌ها، انگیزه، تجربه و تولدایی‌های آن‌ها را دربر می‌گیرد (سویی^{۴۴}، ۱۹۹۷)، در حالی که سرمایه ساختاری به عنوان «اسکلت و چسب سازمان^{۴۵}»، از طریق فرآیندها، سیستم‌ها، فرهنگ، پایگاه‌های داده، فناوری و ظرفیت یادگیری سازمانی، ارتباطات بین افراد و فرآیندها را تقویت می‌کند (بروکنینگ^{۴۶}، ۱۹۹۶) و در نهایت سرمایه رابطه‌ای به روابط سازمان با ذی‌نفعان خارجی مانند مشتریان، تأمین‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان می‌پردازد و شامل عناصری چون تصویر عمومی، وفاداری مشتریان و فعالیت‌های زیست‌محیطی است (کابریتا^{۴۷}، ۲۰۰۹). در طول دهه‌های اخیر، رویکردهای متعددی برای تعریف و اندازه‌گیری سرمایه فکری ارائه شده است که همگی بر اهمیت این عنصر در راستای ایجاد ارزش تأکید دارند (بروکنینگ، ۱۹۹۶؛ مار و همکاران^{۴۸}، ۲۰۰۴)، از جمله مدل "ناظر دارایی‌های نامشهود" ارائه‌شده توسط سویی (۱۹۹۷) که سرمایه فکری را در قالب سه بعد اصلی شامل سرمایه مشتری (ساختار خارجی)، سرمایه ساختاری (ساختار داخلی) و توانمندی کارکنان (سرمایه انسانی) تعریف کرده و برای هر یک از این ابعاد، شاخص‌هایی را در حوزه‌های رشد، نوآوری، کارایی و ثبات ارائه داده است. این در حالی است که مدل "ناوبر اسکاندیا" سرمایه فکری را در قالب عناصری چون مالی، نوآوری و توسعه، مشتری، فرآیند و تمرکز انسانی تشریح می‌کند (ادوینسون و مالون، ۱۹۹۷). در حالی که رویکرد دیگری مانند کارت متوازن نیز سرمایه فکری را از چهار دیدگاه مالی، مشتری، فرآیند کسب‌وکار و یادگیری و رشد مورد تحلیل قرار می‌دهد (کاپلان و نورتون^{۴۹}، ۲۰۰۴). تمامی این مدل‌ها دارای یک رویکرد بین‌رشته‌ای هستند و از طریق تلفیق عوامل داخلی و خارجی، به دنبال دستیابی به مزایای بلندمدت و افزایش ایجاد ارزش سازمانی هستند (منشن^{۵۰}، ۲۰۱۱). بنابراین، سرمایه فکری امروزه به عنوان ترکیبی پویا و تعاملی از سرمایه‌های انسانی، ساختاری و روابطی تعریف می‌شود، نه فقط جمع ساده‌ای از این منابع؛ در این راستا، اهمیت برجسته‌ای به همبستگی متقابل بین این منابع از طریق فعالیت‌های نامشهود سازمان‌ها داده می‌شود، چرا که این تعامل شبکه‌شناسی لازم برای درک و مدیریت سرمایه فکری به عنوان یک «پدیده تعاملی» را فراهم می‌کند؛ جایی که هر مؤلفه به تنهایی دارای ارزش محدودی است، اما در کنار هم ارزش بزرگی برای سازمان ایجاد می‌کنند (کابریتا، ۲۰۰۹).

گزارش‌دهی آینده‌نگر به افشای اطلاعاتی اطلاق می‌شود که اهداف، برنامه‌ها، راهبردها، ریسک‌ها و فرصت‌های آتی شرکت را منعکس می‌کند و نقش مکملی در کنار اطلاعات تاریخی ایفا می‌نماید (الجیفری و حسینی، ۲۰۰۷؛ حسینی، ۲۰۰۴). با توجه به پویایی محیط اقتصادی، اتکای صرف به اطلاعات گذشته‌نگر توان تبیین عملکرد و ارزش آفرینی آتی شرکت‌ها را محدود کرده و منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و استفاده‌کنندگان گزارش‌ها می‌شود (برتا و بوزولان، ۲۰۰۴؛ جنسن و برگ، ۲۰۱۲). مطالعات نشان می‌دهد که افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در عمل نامتوازن است و شرکت‌ها تمایل دارند اطلاعات مربوط به سرمایه ارتباطی را بیش از سایر ابعاد افشا کنند، زیرا این بعد ارتباط مستقیم‌تری با ذی‌نفعان بیرونی و تصویر عمومی سازمان دارد (لیو، ۲۰۰۱؛ بوزولان و همکاران، ۲۰۰۳).

دیدگاه منبع‌محور و دیدگاه منبع‌محور پویا زیربنای نظری اصلی مفهوم سرمایه فکری آینده‌نگر را تشکیل می‌دهند. مطابق این دیدگاه، مزیت رقابتی پایدار نه از منابع مشهود، بلکه از منابع نامشهود و قابلیت‌های سازمان برای ترکیب، توسعه و بازیگر بندی این منابع در طول زمان ناشی می‌شود (بارنی^{۵۱}، ۲۰۰۰؛ تیسه^{۵۲}، ۲۰۰۰). مقالات مرتبط با گزارشگری یکپارچه و سرمایه فکری، سرمایه انسانی، ساختاری و ارتباطی را به‌عنوان محرک‌های کلیدی ارزش آفرینی آتی معرفی کرده و بر ضرورت افشای آینده‌نگر آن‌ها تأکید می‌کنند (لیو، ۲۰۰۱؛ منیکوچی و پائولوچی، ۲۰۱۹؛ بارنابی و همکاران^{۵۳}، ۲۰۱۹). در این راستا، استفاده از رویکرد پویای مبتنی بر منابع^{۵۴} امکان تبیین ارتباط میان اطلاعات گذشته‌نگر و آینده‌نگر و نقش آن‌ها در فرآیند خلق ارزش را فراهم می‌سازد (بارنابی، جیورجینو و کونس، ۲۰۱۹). بر اساس دیدگاه منبع‌محور و توسعه‌های پویای آن، مزیت رقابتی پایدار نه در منابع مشهود، بلکه در قابلیت‌های نامشهود و ظرفیت سازمان برای بازیگر بندی منابع در طول زمان نهفته است (بارنی، ۱۹۹۱؛ تیسه، ۲۰۰۰). بر این اساس، افشای سرمایه فکری آینده‌نگر به اطلاعاتی اشاره دارد که توان بالقوه شرکت در توسعه و بهره‌برداری از منابع نامشهود در آینده را نشان می‌دهد و فراتر از توصیف وضعیت گذشته سرمایه فکری است (لیو، ۲۰۰۱؛ تیسه، ۲۰۰۰). چنین افشایی می‌تواند درک سرمایه‌گذاران از فرآیند خلق ارزش آتی را بهبود بخشد و عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد (هیلی و پالپو، ۲۰۰۱).

این الگو با پیش‌بینی‌های نظریه ذی‌نفعان و نظریه مشروعیت همخوانی دارد؛ به‌طوری‌که

شرکت‌ها از افشای داوطلبانه برای پاسخ به انتظارات ذی‌نفعان و حفظ مشروعیت اجتماعی خود استفاده می‌کنند (فریمن^{۵۵}؛ ۱۹۸۴؛ ساچمن^{۵۶}؛ ۱۹۹۵؛ دیگان، ۲۰۰۲). نظریه ذی‌نفعان مبنای مهمی برای درک جهت‌گیری گزارشگری یکپارچه و افشای آینده‌نگر فراهم می‌آورد. این نظریه بیان می‌کند که شرکت‌ها باید به نیازهای اطلاعاتی طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان پاسخ دهند، نه صرفاً سهامداران (فریمن، ۱۹۸۴). گزارشگری یکپارچه با تأکید بر خلق ارزش در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، افشای اطلاعات آینده‌نگر را به عنوان ابزاری برای پاسخگویی به انتظارات ذی‌نفعان مختلف ترویج می‌کند باشد (کلیک و کوزی^{۵۷}؛ ۲۰۱۸؛ شورای گزارشگری یکپارچه بین‌المللی، ۲۰۱۳). نظریه مشروعیت توضیح می‌دهد که چرا شرکت‌ها از افشای داوطلبانه آینده‌نگر، به‌ویژه در حوزه سرمایه فکری، برای حفظ یا تقویت مشروعیت اجتماعی خود استفاده می‌کنند. افشای برنامه‌ها، راهبردها و چشم‌اندازهای آتی می‌تواند نشان‌دهنده همسویی سازمان با هنجارها و انتظارات اجتماعی بوده و به مدیریت برداشت ذی‌نفعان کمک کند (ساچمن، ۱۹۹۵). شواهد تجربی در مقالات مورد بررسی نشان می‌دهد که افشای آینده‌نگر در گزارش‌های یکپارچه، علاوه بر کارکرد اطلاعاتی، واجد کارکرد مشروعیت‌بخش نیز هستند باشد (کلیک و کوزی، ۲۰۱۸؛ دومی و همکاران، ۲۰۱۶).

هم‌چنین نظریه نمایندگی نیز چارچوبی بنیادین برای توضیح انگیزه‌های افشای اطلاعات آینده‌نگر فراهم می‌آورد. بر اساس این نظریه، جدایی مالکیت از کنترل منجر به عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سرمایه‌گذاران می‌شود و افشای داوطلبانه، به‌ویژه افشای آینده‌نگر، می‌تواند ابزاری برای کاهش این شکاف اطلاعاتی تلقی گردد (هیلی و پالپو، ۲۰۰۱؛ جنسن و مک‌کلینگ^{۵۸}؛ ۱۹۷۶). با این حال، نگرانی از هزینه‌های رقابتی، ریسک‌های حقوقی و عدم قطعیت ذاتی آینده، موجب می‌شود مدیران در ارائه این نوع افشا، رویکردی محتاطانه و عمدتاً کیفی اتخاذ کنند (برتا و بوزولان، ۲۰۰۴؛ الجیفری و حسینی، ۲۰۰۷). شواهد ارائه‌شده در مقالات مرتبط با سرمایه فکری آینده‌نگر نشان می‌دهد که افشای اطلاعات غیرمالی و آینده‌نگر، به‌ویژه در زمینه سرمایه فکری، نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود ارزیابی بازار ایفا می‌کند (گرانینا و دومی، ۲۰۱۷؛ منیکوچی و پائولوچی^{۵۹}؛ ۲۰۱۹).

نظریه علامت‌دهی توضیح می‌دهد که چرا شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت‌های با کیفیت

بالا تر و چشم‌انداز مطلوب‌تر، تمایل دارند اطلاعات آینده‌نگر را به‌صورت داوطلبانه افشا کنند. در این چارچوب، افشای آینده‌نگر به‌عنوان سیگنالی از توانمندی‌های راهبردی، قابلیت‌های مدیریتی و ظرفیت ارزش‌آفرینی آتی شرکت به بازار عمل می‌کند (اسپنس^{۶۰}، ۱۹۷۳). یافته‌های مطالعات مربوط به گزارشگری یکپارچه نشان می‌دهد که غالب بودن افشای کیفی آینده‌نگر می‌تواند ناشی از تلاش مدیران برای ارسال سیگنال‌های مثبت، در عین اجتناب از هزینه‌های رقابتی افشای کمی باشد (کلیک و کوزی، ۲۰۱۸؛ منیکوچی و پائولوچی، ۲۰۱۹).

چارچوب گزارشگری یکپارچه با تأکید بر «تمرکز راهبردی و آینده‌نگری»، ارائه اطلاعاتی را ضروری می‌داند که توانایی شرکت در خلق ارزش در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را تبیین کند (شورای گزارشگری یکپارچه بین‌المللی، ۲۰۱۳). چارچوب گزارشگری یکپارچه با پیوند دادن اطلاعات مالی و غیرمالی، تلاش می‌کند تصویری منسجم از عملکرد گذشته، وضعیت کنونی و چشم‌انداز آینده سازمان ارائه دهد (آدامز و سیمنت^{۶۱}، ۲۰۱۱؛ چنگ و همکاران^{۶۲}، ۲۰۱۴؛ گارسایانچز و همکاران^{۶۳}، ۲۰۱۳). در این چارچوب، سرمایه فکری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محرک‌های ارزش‌آفرینی بلندمدت مطرح می‌شود. سرمایه فکری شامل سرمایه انسانی، ساختاری و ارتباطی است و بخش قابل توجهی از مزیت رقابتی شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد (لیو، ۲۰۰۱؛ هال^{۶۴}، ۱۹۹۲؛ ایتامی^{۶۵}، ۱۹۸۷).

مصدق و همکاران (۱۴۰۵) در پژوهشی با هدف تدوین الگویی برای مزیت رقابتی سرمایه فکری و تأثیر آن بر عملکرد مالی، با بهره‌گیری از رویکرد آمیخته به شناسایی ابعاد سرمایه فکری و نقش آن در بهبود عملکرد سازمان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد سرمایه فکری از طریق تقویت سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای، نقش مؤثری در ایجاد مزیت رقابتی و ارتقای عملکرد مالی سازمان‌ها دارد. همچنین، پژوهشگران بر ضرورت توجه مدیران به شناسایی، مدیریت و گزارشگری مؤلفه‌های سرمایه فکری به‌عنوان یکی از منابع راهبردی ایجاد ارزش تأکید کردند. تفتیان (۱۴۰۴) در مطالعه خود به بررسی رابطه دوطرفه افشای اطلاعات آینده‌نگر و عملکرد حسابداری، بازار و اقتصادی در گزارش‌های سالانه ۱۷۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ پرداخت. نتایج پژوهش بیانگر وجود رابطه دو طرفه بین افشای اطلاعات

آینده‌نگر گزارش‌های سالانه با نرخ بازده دارایی، نسبت قیمت به سود و ارزش افزوده بازار در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. تفتیان و باقی نسب (۱۴۰۴) در مطالعه خود به بررسی رابطه بین ویژگی‌های شرکت، راهبری شرکتی و قدرت ذینفعان با افشای آینده‌نگر در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ پرداختند. یافته‌های پژوهش در دو حالت ایستا و پویا نشانگر آن است که در هر سه فرضیه پژوهش ویژگی‌های شرکت، راهبری شرکتی و قدرت ذینفعان بر سطح افشای آینده‌نگر تأثیر معنی‌داری دارند. تفتیان و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه خود به شناسایی عوامل مؤثر بر تمایل مدیران در ارائه و تغییر در افشای اطلاعات آینده‌نگر سالانه است. در این مطالعه از نمونه گزارش‌های سالانه ۹۳ شرکت پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ استفاده شد. نتایج نشان داد ارتباط مثبت و معنی‌داری بین تغییر در افشای اطلاعات آینده‌نگر و تغییر در عملکرد شرکت وجود دارد. مدیران شرکت‌های با عملکرد بهتر نسبت به مدیران شرکت‌های با عملکرد درآمدهای کمتری، تمایل بیشتری به تغییر در افشای اطلاعات آینده‌نگر دارند. همچنین تغییر در افشای اطلاعات آینده‌نگر با اندازه شرکت و نوع حسابرس رابطه مثبت و با محیط دادرسی رابطه منفی و معنی‌داری دارد و در نهایت بین محیط رقابتی و مالکیت مدیریتی و تغییر در افشای اطلاعات آینده‌نگر ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. گیوکی و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه خود به تدوین الگوی گزارشگری یکپارچه با رویکرد نظریه داده بنیاد پرداختند. یافته‌ها نشان داد شرایط علی پیاده‌سازی گزارشگری یکپارچه شامل الزامات قانونی، خصوصی‌سازی، دیدگاه قانون‌گذاران و روابط بین‌الملل است؛ و لازم است راهبردهایی شامل ایجاد نهاد برای سازمان‌دهی، تعیین استاندارد، بهبود آموزش و استقرار سیستم مکانیزه اتخاذ شود. در نهایت مدل ارائه شده حاکی از آن است پیامدهای پیاده‌سازی گزارشگری یکپارچه باعث افزایش ارزش سازمان، ایجاد مسئولیت‌پذیری، ایجاد شفافیت و اعتماد و افزایش جذب سرمایه‌گذار می‌شود. خدابخشی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه خود به تعیین مؤلفه‌های اثرگذار بر افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی از منظر تئوری داده بنیاد با مرور ادبیات پژوهش پرداختند. در این راستا ۳۳ شاخص شناسایی شد و نهایتاً مفاهیم شناخته شده در پنج گروه دسته‌بندی شد. نتایج نشان می‌دهد که در سه گروه (۱) عوامل غیراختیاری و افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی؛ (۲) عوامل اختیاری خاص شرکت و افشای داوطلبانه

اطلاعات غیرمالی؛ ۳) عوامل هنجاری و افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی، ۲۵ شاخص مورد بررسی تأیید شدند. فتوحی خانکهدانی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه خود به طراحی الگوی افشای اطلاعات آینده‌نگر مبتنی بر نظریه داده بنیاد پرداختند. در الگوی به‌دست آمده مقوله محوری در چهار بعد تحت عنوان پیش‌بینی مدیرعامل، افشای اطلاعات مالی و غیرمالی، استراتژی‌های آتی، اطلاعات سرمایه‌گذاران و مدیران، تحلیل و با توجه به شرایط علی، عوامل مداخله‌گر، بستر و همچنین راهبردهای مربوط به افشای آتی اطلاعات و پیامدهای آن تدوین و مدل نهایی ارائه گردید.

مایجی و ناث^{۶۶} (۲۰۲۶) در پژوهشی با عنوان مشارکت ذی‌نفعان و ارتقای افشای سرمایه فکری: رویکرد چرخه عمر شرکت، با استفاده از داده‌های ۱۰۰ شرکت هندی طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳، رابطه میان مشارکت ذی‌نفعان و کیفیت افشای سرمایه فکری را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد مشارکت فعال ذی‌نفعان به‌طور معناداری کیفیت افشای سرمایه فکری را افزایش می‌دهد و این رابطه در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت متفاوت است. پژوهشگران پیشنهاد کردند که شرکت‌ها برای بهبود گزارشگری سرمایه فکری، انتظارات ذی‌نفعان را در فرآیند افشا مدنظر قرار دهند. هونگ و مارنت^{۶۷} (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان تخصص اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و افشای سرمایه فکری: شواهدی از شرکت‌های FTSE 350، تأثیر تخصص اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره بر کیفیت افشای سرمایه فکری را در گزارش‌های سالانه ۳۵۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس لندن بررسی کردند. نتایج نشان داد حضور اعضای هیئت‌مدیره با تخصص مالی، حسابداری و فناوری اطلاعات موجب ارتقای کیفیت و جامعیت افشای سرمایه فکری می‌شود. همچنین، سازوکارهای حاکمیت شرکتی نقش مهمی در توسعه گزارشگری سرمایه فکری و افزایش شفافیت اطلاعاتی ایفا می‌کنند. یافته‌های مطالعه فاروق و همکاران^{۶۸} (۲۰۲۵) مطالعه نشان داد که پذیرش چارچوب شورای بین‌المللی گزارشگری یکپارچه تأثیر مثبت قابل توجهی بر میزان افشای اطلاعات آینده‌نگر ارائه شده توسط نهادهای گزارشگر دارد. شواهد اولیه نشان می‌دهد که در حالی که وضعیت فهرست شدن به تنهایی بر میزان افشای اطلاعات آینده‌نگر تأثیر منفی می‌گذارد، تجزیه و تحلیل اضافی نشان می‌دهد که پذیرش چارچوب شورای بین‌المللی گزارشگری یکپارچه توسط نهادهای فهرست شده با افزایش اطلاعات آینده‌نگر ارتباط مثبتی دارد. تفتیان و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه خود به بررسی روابط

بین مولفه‌های مدل افشای اطلاعات آینده‌نگر پرداختند. نتایج معادلات ساختاری نشان داد که شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر تأثیر مثبت و معناداری بر پدیده مقوله مرکزی دارند. علاوه بر این، مقوله محوری تأثیر معناداری بر استراتژی‌ها دارد. در نهایت، استراتژی‌ها اثر واسطه‌ای مثبت و معناداری بر روابط بین مقوله‌های محوری و پیامدها دارند. بیرندلی و همکاران^{۶۹} (۲۰۲۰) در مطالعه خود افشای سرمایه فکری بانک‌های ایتالیایی در طول سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۷ را بررسی و از دیدگاه خاص بانک‌های سالم و بحران‌زده به این موضوع پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که افشای سرمایه فکری عموماً ضعیف است و شدت افشا بین بانک‌های سالم و بحران‌زده کمی متفاوت است. در مورد کیفیت افشا، بانک‌های سالم تمایل بیشتری، هرچند متوسط، به افشای اطلاعات غیر کیفی و آینده‌نگر دارند. از این رو، یافته‌های نشان می‌دهد که نیاز به در نظر گرفتن افشای سرمایه فکری بانک‌ها به عنوان یک دارایی استراتژیک برای افزایش، از جمله، شفافیت و شهرت وجود دارد. نتایج مطالعه کونس و همکاران^{۷۰} (۲۰۲۰) در راستای اصل «تمرکز استراتژیک و جهت‌گیری آینده» در گزارش‌دهی یکپارچه نشان می‌دهند که استفاده از دیدگاه پویای منبع‌گرا و مدل‌سازی شبیه‌سازی کمی می‌تواند در عملیاتی کردن «جهت‌گیری آینده» در گزارش‌دهی یکپارچه و افزایش دقت اطلاعات درباره ظرفیت سازمان برای ایجاد ارزش در آینده مؤثر باشد. منیکوچی و پائولوچی (۲۰۱۹) در مطالعه خود به بررسی میزان اطلاعات سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارشگری یکپارچه و تأثیر ویژگی‌های شرکت بر سرمایه فکری آینده‌نگر در این زمینه پرداختند. نتایج این تحقیق ثابت می‌کند که شرکت‌ها تمایلی به افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارش‌های یکپارچه ندارند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اکثر سرمایه فکری آینده‌نگر مربوط به سرمایه رابطه‌ای است. مدل رگرسیون همچنین نشان می‌دهد که اندازه شرکت و سودآوری تأثیر آماری معنی‌داری بر موضوعات خاص سرمایه فکری آینده‌نگر دارند. کیلیچ و کوزی (۲۰۱۸) در مطالعه خود به هدف بررسی ماهیت و میزان افشای اطلاعات آینده‌نگر در نمونه‌های اولیه گزارشگری یکپارچه و بررسی عوامل تعیین‌کننده افشا پرداختند. یافته‌ها نشان داد که اکثر نهادها تمایل به ارائه افشای اطلاعات کیفی آینده‌نگر به جای کمی دارند. علاوه بر این، سایر نتایج نشان داد که تنوع جنسیتی و اندازه شرکت با افشای اطلاعات آینده‌نگر رابطه مثبت دارند.

روش‌شناسی

بر اساس پیاز پژوهش ساندروز و همکاران^{۷۱} (۲۰۰۹)، در نگاهی کلی تحقیق حاضر یک پژوهش پراگماتیستی است که با استفاده از رویکرد استقرایی صورت پذیرفته است. راهبرد پژوهش در بخش کیفی مبتنی بر تحلیل مضمون است و در بخش کمی، توصیفی پیمایشی است. در خصوص انتخاب پژوهش که مربوط به نوع داده‌های پژوهش است باید گفت که مطالعه حاضر از نوع آمیخته اکتشافی (کیفی-کمی) است. از نظر افق زمانی به صورت مقطعی در سال ۱۴۰۴ صورت پذیرفته است؛ و سرانجام روش گردآوری داده‌ها، میدانی است. جامعه و نمونه آماری و روش نمونه‌گیری در دو بخش کیفی و کمی به شرح زیر می‌باشد:

- خبرگان بخش کیفی پژوهش را اعضاء هیأت علمی دانشگاه آزاد و دولتی، مدیران مالی شرکت‌های بورسی، کارگزاران بورس و حسابداران رسمی به شرح جدول ۱ می‌باشند:

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی در بخش کیفی

سمت / موقعیت شغلی	فراوانی	تحصیلات		سابقه کار	
		کارشناسی	دکتری	۲۰-۲۵	بیش از ۲۵
مدیر / عضو جامعه حسابداران رسمی	۴	۲	۲	۱	۲
تحلیل‌گران و کارگزاران فعال در بازار	۲	۱	۱	۱	۰
مدیر / عضو سازمان بورس اوراق	۴	۲	۲	۲	۱
مدیران رده عالی و میانی شرکت‌های	۴	۱	۳	۱	۲
مدیران مالی شرکت‌ها و مؤسسات	۳	۱	۲	۱	۱
مجموع	۱۷	۷	۱۰	۶	۵

جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان بخش کیفی پژوهش را بر اساس سمت یا موقعیت شغلی، سطح تحصیلات و سابقه کار نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، در مجموع ۱۷ نفر از خبرگان در بخش کیفی پژوهش مشارکت داشته‌اند که ترکیبی از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه‌های حسابداری، حسابرسی و بازار سرمایه هستند. بیشترین تعداد خبرگان، با ۴ نفر، مربوط به مدیران و اعضاء جامعه حسابداران رسمی، تحلیل‌گران و کارگزاران فعال در بازار سرمایه و مدیران و اعضاء سازمان بورس و اوراق بهادار بوده است. همچنین، ۳ نفر از خبرگان را مدیران رده عالی و میانی شرکت‌های حسابرسی و ۳ نفر را مدیران مالی شرکت‌ها و مؤسسات تشکیل داده‌اند. از نظر تحصیلات، ۱۰ نفر از خبرگان

دارای مدرک دکتری و ۷ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده‌اند؛ بنابراین، بخش عمده خبرگان از سطح تحصیلات دکتری برخوردار بوده‌اند که نشان‌دهنده سطح علمی مناسب اعضای پنل خبرگان است. از نظر سابقه کار نیز ۶ نفر بیش از ۲۰ سال، ۵ نفر بین ۲۱ تا ۲۵ سال و ۶ نفر بین ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه فعالیت داشته‌اند. در مجموع، توزیع خبرگان از نظر سابقه کاری نشان می‌دهد که همه مشارکت‌کنندگان از تجربه حرفه‌ای قابل توجهی برخوردار بوده‌اند و حضور هم‌زمان اعضای هیأت علمی، مدیران مالی، مدیران شرکت‌های حسابرسی، حسابداران رسمی و متخصصان بازار سرمایه، تنوع مناسبی از دیدگاه‌های تخصصی مرتبط با موضوع پژوهش فراهم کرده است.

- جامعه آماری بخش کمی این پژوهش را همه مدیران و عضو جامعه حسابداران رسمی، تحلیل‌گران فعال در بازار سرمایه، کارگزاران فعال در بازار سرمایه، مدیر/عضو سازمان بورس اوراق بهادار، مدیران رده عالی و میانی شرکتهای حسابرسی، مدیران رده بالای مالی در شرکتها و مؤسسات تشکیل می‌دهند. با توجه به مشخص نبودن حجم جامعه، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برای جوامع نامحدود یعنی $(n = Z^2 pq / d^2)$ ، با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد (ضریب اطمینان ۱.۹۶)، نسبت برآوردی صفت ۰.۵ و خطای مجاز ۵ درصد، برابر با ۳۸۴ نفر تعیین شد. استفاده از مقدار ۰.۵ برای نسبت برآوردی، بیشترین واریانس ممکن را ایجاد کرده و در نتیجه، حجم نمونه‌ای محافظه‌کارانه و قابل اتکا برای تعمیم نتایج به جامعه آماری فراهم می‌کند. شیوه نمونه‌گیری در این بخش به صورت در دسترس می‌باشد.

در بخش کیفی با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته به شناسایی شاخص‌های الگوی افشای سرمایه‌فکری آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه با رویکرد تحلیل مضمون با استفاده از نرم افزار مکس کیودا پرداخته شده است. در بخش کمی نیز با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ۶۶ سوالی مبتنی بر طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای به بررسی اعتبار الگوی پیشنهادی پرداخته شده است. بدین منظور تکنیک تحلیل عاملی تاییدی و نرم‌افزار لیزرل مورد استفاده قرار گرفته است. جدول ۱- چگونگی ارسال و وصول پرسشنامه را نشان می‌دهد:

جدول ۱- چگونگی ارسال و وصول پرسشنامه

تعداد	شرح فرایند	مرحله
۳۰	اجرای اولیه پرسشنامه محقق ساخته برای بررسی قابلیت استفاده، وضوح گویه‌ها و شناسایی مشکلات احتمالی	مطالعه پایلوت
۳۸۴	حجم نمونه تعیین شده بر اساس فرمول کوکران	حجم نمونه مورد نیاز
۴۰۰	پرسشنامه محقق ساخته ۶۶ سؤالی در میان اعضای نمونه آماری توزیع شد	پرسشنامه‌های توزیع شده
۱۶	پرسشنامه‌هایی که به دلیل ناقص بودن از تحلیل کنار گذاشته شدند	پرسشنامه‌های ناقص یا غیر قابل استفاده
۳۸۴	پرسشنامه‌های کامل مورد استفاده در تحلیل آماری	پرسشنامه‌های نهایی قابل تحلیل

پرسشنامه این پژوهش محقق ساخته بوده و بر اساس مضامین پایه استخراج شده از مرحله کیفی تدوین شده است. از آنجا که هر یک از مضامین پایه در قالب یک گویه در پرسشنامه منعکس شده است، محتوای پرسشنامه مستقیماً برگرفته از الگوی مفهومی استخراج شده بوده و تعداد و محتوای گویه‌ها تابع نتایج تحلیل مضمون است. از این رو، روایی محتوایی ابزار در فرآیند استخراج و اعتباریابی الگوی کیفی تأمین شده است. به منظور بررسی قابلیت استفاده از ابزار در مرحله کمی، پرسشنامه در قالب یک مطالعه پایلوت با مشارکت ۳۰ نفر اجرا شد و پس از اعمال اصلاحات نگارشی جزئی، نسخه نهایی آن تهیه گردید. در ادامه، پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب و روایی سازه از طریق تحلیل عاملی تأییدی ارزیابی شد که نتایج نشان‌دهنده مناسب بودن ابزار و تأیید مدل اندازه‌گیری بود. روایی الگوی کیفی با استفاده از تکنیک شاخص‌های اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری و تأییدپذیری و پایایی الگوی کیفی به وسیله‌ی روش پایایی بازآزمون مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

جدول ۲ اطلاعات جمعیت‌شناختی اعضای نمونه آماری بخش کمی را نشان می‌دهد:

جدول ۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی در بخش کمی

ویژگی جمعیت شناختی	شاخص آماری طبقه	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۹۸	۲۵/۵
	مرد	۲۸۶	۷۴/۵
	مجموع	۳۸۴	۱۰۰
سن	زیر ۳۰ سال	۴۲	۱۰/۹
	۳۰-۴۰ سال	۱۰۲	۲۶/۶
	۴۱-۵۰ سال	۱۴۶	۲۸
	بالای ۵۰ سال	۹۴	۲۴/۵
	مجموع	۳۸۴	۱۰۰
تحصیلات	کارشناسی	۱۲۶	۳۲/۸
	کارشناسی ارشد	۲۲۲	۵۷/۸
	دکتری	۳۶	۹/۴
	مجموع	۳۸۴	۱۰۰
سابقه کار	کمتر از ۱۰ سال	۸۶	۲۲/۴
	۱۰-۲۰ سال	۱۹۴	۵۰/۵
	بیشتر از ۲۰ سال	۱۰۴	۲۷/۱
	مجموع	۳۸۴	۱۰۰

جدول ۲ اطلاعات جمعیت‌شناختی اعضای نمونه آماری بخش کمی را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج، از مجموع ۳۸۴ نفر اعضای نمونه، ۹۸ نفر معادل ۲۵/۵ درصد زن و ۲۸۶ نفر معادل ۷۴/۵ درصد مرد بوده‌اند؛ بنابراین، بخش عمده اعضای نمونه آماری را مردان تشکیل داده‌اند. از نظر سنی، ۴۲ نفر معادل ۱۰/۹ درصد کمتر از ۳۰ سال، ۱۰۲ نفر معادل ۲۶/۶ درصد در دامنه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۱۴۶ نفر معادل ۲۸ درصد در دامنه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۹۴ نفر معادل ۲۴/۵ درصد بالای ۵۰ سال بوده‌اند. از نظر سطح تحصیلات نیز ۱۲۶ نفر معادل ۳۲/۸ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۲۲۲ نفر معادل ۵۷/۸ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳۶ نفر معادل ۹/۴ درصد دارای مدرک دکتری بوده‌اند؛ بنابراین، بیشترین فراوانی مربوط به افراد دارای مدرک کارشناسی ارشد است. همچنین، از نظر سابقه کاری، ۸۶ نفر معادل ۲۲/۴ درصد کمتر از ۱۰ سال سابقه کار، ۱۹۴ نفر معادل ۵۰/۵ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه کار و ۱۰۴ نفر معادل ۲۷/۱ درصد بیش از ۲۰ سال سابقه کار داشته‌اند. در مجموع،

یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که نمونه مورد بررسی عمدتاً از مردان، افراد دارای مدرک کارشناسی ارشد و افراد دارای سابقه کاری ۱۰ تا ۲۰ سال تشکیل شده است.

یافته‌های بخش کیفی

در این پژوهش به منظور الگوی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه، از تکنیک تحلیل مضمون بر اساس مدل آتراید استرلینگ (۱۹۹۸) شامل پنج مرحله "آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی مضامین و تعریف و نام‌گذاری مضامین" استفاده شده است. بدین منظور از مصاحبه با خبرگان استفاده شد. در این راستا پس از مصاحبه با ۱۷ نفر از خبرگان، داده‌ها به اشباع نظری رسید. در این گام از متن مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان در مصاحبه باز، تعداد ۶۶ مضمون پایه استخراج شد. در ادامه، بر اساس مشابهت‌های کاربردی مضامین پایه، هر چند مضمون در یک دسته به نام "مضمون سازمان‌دهنده" قرار گرفت. مضامین سازمان‌دهنده نیز بر اساس وجه اشتراک خود در دسته کلی‌تری به نام مضامین فراگیر قرار گرفتند. در نهایت داده‌های برآمده از روش تحلیل مضمون و شکل‌گیری شبکه مضامین نشان‌دهنده آن است که الگوی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه دارای ۷ مضمون فراگیر، ۱۵ مضمون سازمان‌دهنده و ۶۶ مضمون پایه می‌باشد. جدول ۳ مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

جدول ۳. مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضمون پایه	سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱. تنوع جنسیتی و استقلال در هیئت مدیره ۲. اندازه و ساختار کمیته‌های تخصصی ۳. ساختار مالکیت (نهادی یا متمرکز) ۴. سیاست‌های نظارتی هیئت مدیره بر افشای غیرمالی	۱. ساختار حاکمیت و تنوع هیئت مدیره	۱. ظرفیت‌ها و الزامات ساختاری
۵. اندازه و سودآوری ۶. اهرم مالی ۷. نرخ رشد فروش و دارایی‌ها ۸. نوع صنعت و حساسیت محیطی	۲. ویژگی‌های مالی و عملیاتی شرکت	
۹. نیاز به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ۱۰. نیاز به کاهش هزینه‌های نمایندگی ۱۱. ارسال سیگنال کیفیت به بازار سرمایه	۳. انگیزه‌های اطلاعاتی و نمایندگی	۲. تمایلات مدیریتی و فشارهای بازار
۱۲. کسب مشروعیت و اعتماد عمومی ۱۳. فشار ذی‌نفعان برای شفافیت	۴. فشارهای اجتماعی و کسب مشروعیت	

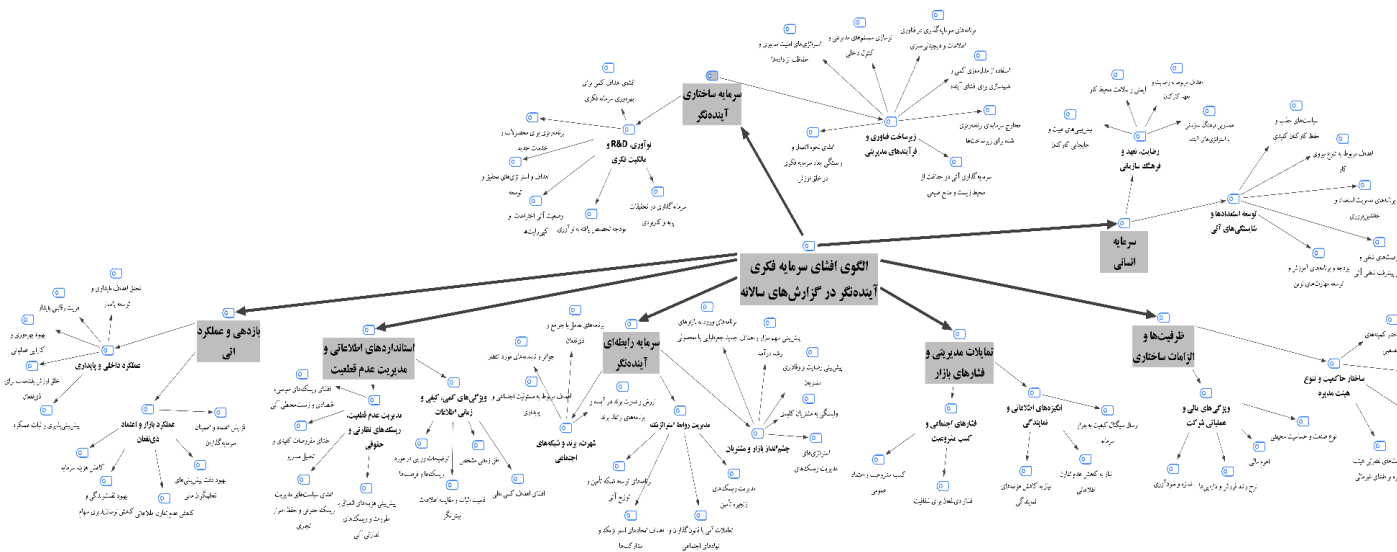
مضمون فراگیر	سازمان‌دهنده	مضمون پایه
۳. سرمایه انسانی آینده‌نگر	۵. توسعه استعدادها و شایستگی‌های آتی	۱۴. برنامه‌های مدیریت استعداد و جانشین‌پروری ۱۵. بودجه و برنامه‌های آموزش و توسعه مهارت‌های نوین ۱۶. فرصت‌های شغلی و مسیر پیشرفت شغلی آتی ۱۷. سیاست‌های جذب و حفظ کارکنان کلیدی ۱۸. اهداف مربوط به تنوع نیروی کار
	۶. رضایت، تعهد و فرهنگ سازمانی	۱۹. اهداف مربوط به رضایت و تعهد کارکنان ۲۰. پیش‌بینی‌های غیبت و جابجایی کارکنان ۲۱. ایمنی و سلامت محیط کار (برنامه‌های آتی) ۲۲. همسویی فرهنگ سازمانی با استراتژی‌های آینده
۴. سرمایه ساختاری آینده‌نگر	۷. نوآوری، D&R و مالکیت فکری	۲۳. اهداف و استراتژی‌های تحقیق و توسعه ۲۴. برنامه‌ریزی برای محصولات و خدمات جدید ۲۵. وضعیت آتی اختراعات و کپی‌رایت‌ها ۲۶. سرمایه‌گذاری در تحقیقات پایه و کاربردی ۲۷. بودجه تخصیص یافته به نوآوری ۲۸. افشای اهداف کمی برای بهره‌وری سرمایه فکری (مانند VAIC آتی)
	۸. زیرساخت فناوری و فرآیندهای مدیریتی	۲۹. برنامه‌های سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات و دیجیتال سازی ۳۰. مخارج سرمایه‌ای برنامه‌ریزی شده برای زیرساخت‌ها ۳۱. استراتژی‌های امنیت سایبری و حفاظت از داده‌ها ۳۲. استفاده از مدل‌سازی کمی و شبیه‌سازی برای افشای آینده ۳۳. نوسازی سیستم‌های مدیریتی و کنترل داخلی ۳۴. افشای نحوه اتصال و وابستگی ابعاد سرمایه فکری در خلق ارزش ۳۵. سرمایه‌گذاری آتی در حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی
۵. سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر	۹. چشم‌انداز بازار و مشتریان	۳۶. پیش‌بینی سهم بازار و اهداف رشد درآمد ۳۷. برنامه‌های ورود به بازارهای جدید جغرافیایی یا محصولی ۳۸. پیش‌بینی رضایت و وفاداری مشتریان ۳۹. استراتژی‌های مدیریت ریسک‌های مشتری ۴۰. وابستگی به مشتریان کلیدی
	۱۰. شهرت، برند و شبکه‌های اجتماعی	۴۱. ارزش و قدرت برند در آینده و برنامه‌های ارتقاء برند ۴۲. اهداف مربوط به مسئولیت اجتماعی و پایداری ۴۳. برنامه‌های تعامل با جوامع و ذی‌نفعان ۴۴. جوایز و تاییده‌های مورد انتظار
۶. استانداردهای اطلاعاتی و مدیریت عدم قطعیت	۱۱. مدیریت روابط استراتژیک	۴۵. اهداف اتحادهای استراتژیک و مشارکت‌ها ۴۶. برنامه‌های توسعه شبکه تأمین و توزیع آتی ۴۷. تعاملات آتی با قانون‌گذاران و نهادهای اجتماعی ۴۸. مدیریت ریسک‌های زنجیره تأمین
	۱۲. ویژگی‌های کمی، کیفی و زمانی اطلاعات	۴۹. افشای اهداف کمی مالی (مانند EPS و جریان نقد) ۵۰. توضیحات روایی در مورد ریسک‌ها و فرصت‌ها ۵۱. افق زمانی مشخص (کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت) ۵۲. قابلیت اثبات و مقایسه اطلاعات پیش‌نگر

مضمون فراگیر	سازمان‌دهنده	مضمون پایه
	۱۳. مدیریت عدم قطعیت، ریسک‌های نظارتی و حقوقی	۵۳. افشای مفروضات کلیدی و تحلیل سناریو ۵۴. افشای ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی آتی ۵۵. افشای سیاست‌های مدیریت ریسک حقوقی و حفظ اسرار تجاری ۵۶. پیش‌بینی هزینه‌های انطباق با مقررات و ریسک‌های نظارتی آتی
۷. بازدهی و عملکرد آتی	۱۴. عملکرد بازار و اعتماد ذی‌نفعان	۵۷. کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ۵۸. کاهش هزینه سرمایه ۵۹. بهبود نقدشوندگی و کاهش نوسان‌پذیری سهام ۶۰. بهبود دقت پیش‌بینی‌های تحلیلگران مالی ۶۱. افزایش اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذاران
	۱۵. عملکرد داخلی و پایداری	۶۲. خلق ارزش بلندمدت برای ذی‌نفعان ۶۳. پیش‌بینی‌پذیری و ثبات عملکرد ۶۴. بهبود بهره‌وری و کارایی عملیاتی ۶۵. تحقق اهداف پایداری و توسعه پایدار ۶۶. مزیت رقابتی پایدار

بر اساس جدول ۳، الگوی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه از ۷ مضمون

فراگیر، ۱۵ مضمون سازمان‌دهنده و ۶۶ مضمون پایه می‌باشد.

شکل (۱) شبکه مضامین الگوی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه را نشان می‌دهد:



شکل ۱. شبکه مضامین الگوی افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در گزارش‌های سالانه (خروجی نرم‌افزار مکس کیودا)

با این که برخی از پژوهشگران در مطالعات کیفی، درباره اعتبار و روایی داده‌ها و نتایج پژوهش را به‌طور سنتی مربوط به پژوهش‌های کمی می‌دانند (جانسون و کریستنسن^{۷۲}، ۲۰۰۸)؛ اما واقعیت این است که در پژوهش‌های کیفی نیز صحت و اعتبار داده‌ها و یافته‌ها، بخشی بسیار بااهمیت از فرایند پژوهش است (کرسول^{۷۳}، ۲۰۱۲). پژوهشگران معتقدند که باید با ایجاد روش‌ها و مفاهیم جدید ارزیابی اعتبار در حوزه کیفی، آنها را جایگزین ابزار و روش‌های اعتبارسنجی کمی نمود. بدین منظور این محققان، شاخص‌های ذیل را معرفی می‌کنند (عباس‌زاده، ۱۳۹۱): (۱) اعتبار‌پذیری: به واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش اشاره دارد (حریری، ۱۳۸۵). برای اطمینان از اعتبار‌پذیری این پژوهش، مشاهده طولانی و مستمر در دستور کار محقق قرار گرفت همچنین از آنجا که فرآیند گردآوری داده‌ها در فازهای مختلف صورت گرفت و برخی شرکت‌کنندگان به دلیل دانش تخصصی و علاقه‌مندی به موضوع تحقیق دست‌کم در دو مرحله حضور داشتند، پژوهشگر زمان بیشتری را برای رابطه‌سازی با آنها در اختیار داشت تا با ارائه تحلیل‌های داده‌ای به مشارکت‌کنندگان، بازخوردهای اصلاحی از آنان دریافت نماید. (۲) انتقال‌پذیری: به معنای قابلیت تعمیم نتایج به سایر حوزه‌ها و زمینه‌هاست. در عین حال با توجه به اینکه بیشتر پژوهش‌های کیفی بر روی گروه‌های اندک به انجام می‌رسد، تعمیم نتایج در این حوزه اندکی با مشکل مواجه است (حریری، ۱۳۸۵). برای اطمینان از غنا و جامعیت داده‌ها، در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی استفاده شد. بدین ترتیب در پایان هر مصاحبه، نقرات مناسب بعدی برای ادامه جریان گردآوری داده‌ها شناسایی می‌شدند که دانش عمیقی در خصوص موضوعات مورد بحث داشتند. (۳) تأیید‌پذیری: به معنای کوشش در جهت احراز شاخص عینیت در پژوهش است. در پژوهش‌های کمی، تأیید‌پذیری، بیشتر بر پرهیز محقق از سوگیری است؛ در مقابل، در پژوهش‌های کیفی این امر بیشتر به معنای قدرت تحلیل و دقت داده‌ها و میزان تأیید آنهاست (حریری، ۱۳۸۵). برای اطمینان از تأیید‌پذیری این پژوهش، از گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها در طول تحقیق (فرآیند کدگذاری مقایسه‌ای مستمر) استفاده شد. بدین منظور، محقق کلیه داده‌های خام شامل نکات مهم اسناد، مصاحبه‌های ضبط شده و تفکرات و تحلیل‌های خود را به صورت منظم ثبت و نگهداری نمود تا در هر لحظه امکان بازگشت و مرور آنها موجود باشد. (۴) اطمینان‌پذیری: معادل پایایی در روش‌های کمی است. برای اطمینان از پایایی در

یک تحقیق کیفی، آزمون قابلیت اعتماد آن امری حیاتی است. اطمینان‌پذیری، به درجه‌ی بازیافت‌پذیری و تکرارپذیری داده‌ها از سوی سایر افراد اطلاق می‌شود (حریری، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر علاوه بر اینکه فرآیندهای ساخت یافته برای ثبت، نوشتن و تفسیر داده‌ها سازمان‌دهی شده‌است، از کمیته راهنما نیز برای ارزیابی و اجرای برنامه مصاحبه استفاده شده است.

برای سنجش پایایی کیفی، از روش پایایی بازآزمون استفاده شد؛ این شاخص را می‌توان زمانی محاسبه کرد که کدگذار یک متن را در دو زمان متفاوت کدگذاری کرده باشد. برای محاسبه‌ی پایایی بازآزمون، از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، چند مصاحبه برای نمونه انتخاب شد و هریک از آن‌ها در فاصله زمانی چهارده روزه دوباره کدگذاری شدند. پس از مقایسه کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هریک از مصاحبه‌ها، از طریق میزان بالای توافقات موجود در دو مرحله کدگذاری، پایایی تحقیق احصا شد. در کنار آن، برای محاسبه پایایی، کدگذاری به صورت دستی صورت گرفت و بعد از اتمام کدگذاری نتایج دو کدگذاری با یکدیگر مقایسه و از روش هولستی برای محاسبه پایایی استفاده شد:

$$PAO = 2M / (n1 + n2)$$

PAO به معنی درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی)، M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری، $n1$ تعداد واحدهای کدگذاشته در مرحله اول و $n2$ تعداد واحدهای کدگذاشته در مرحله اول و تعداد واحدهای کدگذاشته در مرحله دوم است. این رقم بین صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است. پاسخ نتیجه محاسبه برای پژوهش حاضر برابر با $0/808$ محاسبه شد که نشان می‌دهد مضامین از پایایی بالایی برخوردار است.

بررسی اعتبار الگوی پیشنهادی

در این بخش از پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی به اعتباریابی الگوی پیشنهادی پرداخته شده است، بدین منظور نرم افزار لیزرل (نسخه ۱۰.۲) مورد استفاده قرار گرفته است. جدول ۴ نتایج بررسی اعتبار الگوی پیشنهادی را نشان می‌دهد:

جدول ۴. نتایج بررسی اعتبار الگوی پیشنهادی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	بار عاملی	آماره t	مضمون پایه	بار عاملی	آماره t
ظرفیت‌ها و الزامات ساختاری	ساختار حاکمیت و تنوع هیئت مدیره	۰/۷۳	۸/۶۳	تنوع جنسیتی و استقلال در هیئت مدیره	۰/۸۲	ثابت
				اندازه و ساختار کمیته‌های تخصصی	۰/۹۴	۹/۹۷
				ساختار مالکیت (نهادی یا متمرکز)	۰/۸۰	۸/۵۵
				سیاست‌های نظارتی هیئت مدیره بر افشای غیرمالی	۰/۹۲	۱۰/۵۳
	ویژگی‌های مالی و عملیاتی شرکت	۰/۸۰	۱۰/۳۳	اندازه و سودآوری	۰/۸۸	ثابت
				اهرم مالی	۰/۷۰	۶/۴۰
				نرخ رشد فروش و دارایی‌ها	۰/۸۵	۷/۷۸
				نوع صنعت و حساسیت محیطی	۰/۷۰	۶/۳۸
تمایلات مدیریتی و فشارهای بازار	انگیزه‌های اطلاعاتی و نمایندگی	۰/۹۲	۵/۵۱	نیاز به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۸۴	ثابت
				نیاز به کاهش هزینه‌های نمایندگی	۰/۵۹	۳/۰۷
				ارسال سیگنال کیفیت به بازار سرمایه	۰/۵۴	۲/۹۴
سرمایه انسانی آینده‌نگر	فشارهای اجتماعی و کسب مشروعیت	۰/۸۰	۴/۴۲	کسب مشروعیت و اعتماد عمومی	۰/۸۱	ثابت
				فشار ذی‌نفعان برای شفافیت	۰/۹۷	۳/۳۲
	توسعه استعدادها و شایستگی‌های آتی	۰/۷۲	۵/۵۴	برنامه‌های مدیریت استعداد و جانشین‌پروری	۰/۷۱	ثابت
				بودجه و برنامه‌های آموزش و توسعه مهارت‌های نوین	۰/۷۸	۶/۰۳
				فرصت‌های شغلی و مسیر پیشرفت شغلی آتی	۰/۹۵	۴/۵۳
				سیاست‌های جذب و حفظ کارکنان کلیدی	۰/۸۳	۶/۴۹
	رضایت، تعهد و فرهنگ سازمانی	۰/۷۱	۶/۲۵	اهداف مربوط به تنوع نیروی کار	۰/۹۱	۴/۶۷
				اهداف مربوط به رضایت و تعهد کارکنان	۰/۷۸	ثابت
				پیش‌بینی‌های غیبت و جابجایی کارکنان	۰/۸۲	۴/۶۸
				ایمنی و سلامت محیط کار (برنامه‌های آتی)	۰/۹۱	۵/۱۱
				همسویی فرهنگ سازمانی با استراتژی‌های آینده	۰/۸۵	۶/۳۲

سرمایه ساختاری آینده‌نگر	نوآوری، D&R و مالکیت فکری	۰/۷۵	۷/۲۵	اهداف و استراتژی‌های تحقیق و توسعه	۰/۷۶	ثابت
				برنامه‌ریزی برای محصولات و خدمات جدید	۰/۷۴	۶/۵۲
				وضعیت آتی اختراعات و کپی‌رایت‌ها	۰/۸۸	۶/۴۸
				سرمایه‌گذاری در تحقیقات پایه و کاربردی	۰/۸۷	۷/۰۱
				بودجه تخصیص یافته به نوآوری	۰/۸۴	۷/۱۲
سرمایه ساختاری آینده‌نگر	زیرساخت فناوری و فرآیندهای مدیریتی	۰/۷۵	۶/۸۶	افشای اهداف کمی برای بهره‌وری سرمایه فکری	۰/۸۱	۵/۸۲
				برنامه‌های سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات و	۰/۷۶	ثابت
				مخارج سرمایه‌ای برنامه‌ریزی شده برای زیرساخت‌ها	۰/۸۳	۶/۱۱
				استراتژی‌های امنیت سایبری و حفاظت از داده‌ها	۰/۸۶	۶/۶۲
				استفاده از مدل‌سازی کمی و شبیه‌سازی برای افشای	۰/۸۱	۶/۹۶
				نوسازی سیستم‌های مدیریتی و کنترل داخلی	۰/۸۷	۷/۲۰
				افشای نحوه اتصال و وابستگی ابعاد سرمایه فکری در	۰/۸۱	۹/۹۰
سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر	چشم‌انداز بازار و مشتریان	۰/۷۴	۷/۷۶	سرمایه‌گذاری آتی در حفاظت از محیط زیست و منابع	۰/۷۸	۶/۵۹
				پیش‌بینی سهم بازار و اهداف رشد درآمد	۰/۸۲	ثابت
				برنامه‌های ورود به بازارهای جدید جغرافیایی یا	۰/۷۷	۱۱/۵۶
				پیش‌بینی رضایت و وفاداری مشتریان	۰/۹۵	۱۴/۳۲
				استراتژی‌های مدیریت ریسک‌های مشتری	۰/۹۱	۱۳/۶۷
				وابستگی به مشتریان کلیدی	۰/۸۸	ثابت
				ارزش و قدرت برند در آینده و برنامه‌های ارتقاء برند	۰/۷۶	۷/۹۸
سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر	مدیریت روابط استراتژیک	۰/۸۵	۸/۹۷	اهداف مربوط به مسئولیت اجتماعی و پایداری	۰/۷۴	۷/۲۲
				برنامه‌های تعامل با جوامع و ذی‌نفعان	۰/۵۳	۵/۴۷
				جوایز و تاییدیه‌های مورد انتظار	۰/۷۱	۶/۶۳
				اهداف اتحادهای استراتژیک و مشارکت‌ها	۰/۸۶	ثابت
				برنامه‌های توسعه شبکه تأمین و توزیع آتی	۰/۹۵	۱۴/۰۱
				تعاملات آتی با قانون‌گذاران و نهادهای اجتماعی	۰/۸۵	۹/۸۶
				مدیریت ریسک‌های زنجیره تأمین	۰/۷۴	۸/۶۲
استانداردهای اطلاعاتی و مدیریت عدم قطعیت	ویژگی‌های کمی، کیفی و زمانی اطلاعات	۰/۷۵	۶/۵۴	افشای اهداف کمی مالی (مانند EPS و جریان نقد)	۰/۷۰	ثابت
				توضیحات روایی در مورد ریسک‌ها و فرصت‌ها	۰/۸۸	۵/۵۸
				افق زمانی مشخص (کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت)	۰/۷۴	۴/۰۹
				قابلیت اثبات و مقایسه اطلاعات پیش‌نگر	۰/۸۳	۶/۳۸
				افشای مفروضات کلیدی و تحلیل سناریو	۰/۷۶	ثابت

۵/۰۹	۰/۸۱	افشای ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی	۵/۶۶	۰/۷۲	مدیریت عدم قطعیت، ریسک‌های نظارتی و حقوقی	بازدهی و عملکرداتی
۴/۹۰	۰/۸۹	افشای سیاست‌های مدیریت ریسک حقوقی و حفظ				
۴/۷۵	۰/۸۵	پیش‌بینی هزینه‌های انطباق با مقررات و ریسک‌های				
ثابت	۰/۸۱	کاهش عدم تقارن اطلاعاتی	۶/۶۰	۰/۷۸	عملکرد بازار و اعتماد ذی‌نفعان	
۸/۳۰	۰/۸۱	کاهش هزینه سرمایه				
۴۵/۵	۰/۸۷	بهبود نقدشوندگی و کاهش نوسان‌پذیری سهام				
۵/۶۶	۰/۸۲	بهبود دقت پیش‌بینی‌های تحلیلگران مالی				
۷/۱۷	۰/۷۷	افزایش اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذاران	۷/۲۳	۰/۷۸	عملکرد داخلی و پایداری	
ثابت	۰/۹۳	خلق ارزش بلندمدت برای ذی‌نفعان				
۵/۳۱	۰/۸۴	پیش‌بینی‌پذیری و ثبات عملکرد				
۴/۸۰	۰/۸۲	بهبود بهره‌وری و کارایی عملیاتی				
۵/۵۷	۰/۸۵	تحقق اهداف پایداری و توسعه پایدار				
۴/۷۴	۰/۷۰	مزیت رقابتی پایدار				

جدول ۵. مقادیر پایایی مرکب و بررسی روایی سازه همگرا مضامین سازمان دهنده و فراگیر را نشان می‌دهد:

جدول ۵. مقادیر پایایی مرکب و بررسی روایی سازه همگرا

مضامین سازمان دهنده/فراگیر	پایایی مرکب (CR)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	روایی سازه همگرا
ساختار حاکمیت و تنوع هیئت مدیره	۰/۹۲۷	۰/۷۶۱	تأیید
ویژگی‌های مالی و عملیاتی شرکت	۰/۸۶۵	۰/۶۱۹	تأیید
ظرفیت‌ها و الزامات ساختاری	۰/۷۳۹	۰/۵۸۶	تأیید
انگیزه‌های اطلاعاتی و نمایندگی	۰/۹۲۷	۰/۷۶۱	تأیید
فشارهای اجتماعی و کسب مشروعیت	۰/۸۸۷	۰/۷۹۹	تأیید
تمایلات مدیریتی و فشارهای بازار	۰/۸۵۲	۰/۷۴۳	تأیید
توسعه استعدادها و شایستگی‌های آتی	۰/۹۲۲	۰/۷۰۶	تأیید
رضایت، تعهد و فرهنگ سازمانی	۰/۹۲۳	۰/۷۵۱	تأیید
سرمایه انسانی آینده‌نگر	۰/۷۰۷	۰/۵۱۱	تأیید
نوآوری، D&R و مالکیت فکری	۰/۹۲۴	۰/۶۷۰	تأیید
زیرساخت فناوری و فرآیندهای مدیریتی	۰/۹۳۴	۰/۶۶۹	تأیید
سرمایه ساختاری آینده‌نگر	۰/۷۳۸	۰/۵۸۵	تأیید
چشم‌انداز بازار و مشتریان	۰/۹۱۴	۰/۷۲۸	تأیید

مضامین سازمان دهنده/فراگیر	پایایی مرکب (CR)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	روایی سازه همگرا
شهرت، برند و شبکه‌های اجتماعی	۰/۸۵۰	۰/۵۳۷	تأیید
مدیریت روابط استراتژیک	۰/۹۱۴	۰/۷۲۸	تأیید
سرمایه رابطه ای آینده‌نگر	۰/۸۲۴	۰/۶۱۱	تأیید
ویژگی‌های کمی، کیفی و زمانی اطلاعات	۰/۸۶۹	۰/۶۲۵	تأیید
مدیریت عدم قطعیت، ریسک‌های نظارتی و حقوقی	۰/۸۹۷	۰/۶۸۷	تأیید
استانداردهای اطلاعاتی و مدیریت عدم قطعیت	۰/۷۰۲	۰/۵۴۰	تأیید
عملکرد بازار و اعتماد ذی‌نفعان	۰/۹۰۹	۰/۶۶۷	تأیید
عملکرد داخلی و پایداری	۰/۹۱۷	۰/۶۹۱	تأیید
بازدهی و عملکرد اتی	۰/۷۵۷	۰/۶۰۸	تأیید

همان‌گونه که در جدول ۵ مشخص است همه‌ی بارهای عاملی در حالت تخمین استاندارد بزرگتر مساوی ۰/۵ هستند. همچنین بر اساس مقادیر آماره تی، می‌توان گفت از آنجا که مقادیر آماره تی همه‌ی بارهای عاملی در خارج از بازه‌ی ۱/۹۶- و ۱/۹۶+ قرار دارند، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه گرفت بارهای عاملی، معنادار هستند. مقادیر پایایی مرکب مدل بیشتر از ۰/۷ به دست آمده است که نشان‌دهنده پایایی مناسب (رامین مهر و چارستاد، ۱۴۰۴) مدل پیشنهادی است. از سوی دیگر، با توجه به این که مقادیر بارهای عاملی شاخص‌ها بالاتر از ۰/۵ و معنادار به دست آمده است؛ و هم‌چنین مقدار شاخص میانگین واریانس استخراج شده بزرگتر از ۰/۵ است، بنابراین روایی سازه همگرا مورد تأیید قرار می‌گیرد (رامین مهر و چارستاد، ۱۴۰۴). جدول ۶ نیز شاخص‌های برازش مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی را نشان می‌دهد:

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی

مدل تحلیل عاملی تأییدی	GFI	CFI	NFI	RMSEA	Chi2/df	SRMR
ظرفیت‌ها و الزامات ساختا	۱	۱	۱	۰/۰۵۱	۱/۳۶	۰/۰۲۸
تمایلات مدیریتی و فشارهای	۱	۱	۱	۰/۰۷۰	۱/۷۷	۰/۰۱۱
سرمایه انسانی آینده‌نگر	۱	۱	۱	۰/۰۵۶	۱/۴۳	۰/۰۲۳
سرمایه ساختاری آینده‌نگر	۰/۹۱	۰/۹۶	۰/۹۵	۰/۰۶۳	۲/۲۱	۰/۰۳۴
سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر	۰/۹۳	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۰۴۹	۱/۳۳	۰/۰۵۰
استانداردهای اطلاعاتی و	۱	۱	۱	۰/۰۵۵	۱/۴۲	۰/۰۳۱
بازدهی و عملکرد اتی	۱	۱	۱	۰/۰۷۱	۱/۷۱	۰/۰۱۹
مقادیر قابل قبول	≥ ۰.۹۰	≥ ۰.۹۰	≥ ۰.۹۰	< ۰.۰۸	< ۳	≤ ۰.۰۸

جدول ۶ نتایج شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی مضامین فراگیر را نشان می‌دهد. در این جدول شش شاخص اصلی برازش مدل شامل شاخص برازش کلی (GFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازش نرمال‌شده (NFI)، ریشه میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA)، نسبت کای‌دو به درجه آزادی (χ^2/df) و ریشه میانگین مجذور باقیمانده استاندارد شده (SRMR) گزارش شده‌اند که هر یک بیانگر میزان انطباق داده‌های تجربی با مدل نظری پژوهش هستند. سه شاخص نخست یعنی GFI، CFI و NFI همگی در تمامی عوامل بررسی شده برابر یا بسیار نزدیک به مقدار ۱ به دست آمده‌اند که به صورت علمی نشان‌دهنده برازش بسیار مطلوب مدل و انطباق مناسب ساختار عاملی با داده‌ها است. شاخص‌های RMSEA و SRMR نیز در تمامی عوامل کمتر از ۰/۰۸ گزارش شده که نشان‌دهنده خطای تقریبی پایین و مقبولیت بالای مدل است. در نهایت، شاخص χ^2/df برای همه عوامل کمتر از ۳ محاسبه شده که نشان‌دهنده کفایت و برازش مناسب مدل از دیدگاه آماری است. بنابراین، هر شش شاخص در محدوده مقبول یا ایده‌آل قرار دارند و مجموع نتایج این جدول نشان می‌دهد که مدل عاملی طراحی شده از برازش بسیار مناسبی برخوردار بوده و ساختار نظری پژوهش توسط داده‌های تجربی تأیید می‌شود.

جدول ۶ نتایج شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی مضامین فراگیر را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمامی مضامین از نظر شاخص‌های برازش در محدوده قابل قبول قرار دارند؛ به‌طوری که مقادیر GFI، CFI و NFI برای اکثر مضامین برابر با ۱ و برای دو مضمون «سرمایه ساختاری آینده‌نگر» و «سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر» نیز بالاتر از ۰/۹۰ است که بیانگر برازش مطلوب مدل اندازه‌گیری است. همچنین، مقادیر RMSEA در تمامی مضامین کمتر از ۰/۰۸ گزارش شده است؛ به‌گونه‌ای که مضمون «سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر» با مقدار ۰/۰۴۹ کمترین خطای تقریب و مضامین «تمایلات مدیریتی و فشارهای بازار» و «بازدهی و عملکرد آتی» با مقادیر ۰/۰۷ و ۰/۰۷۱ بیشترین خطای تقریب را دارند که با وجود این، همچنان در محدوده قابل قبول قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، مقادیر SRMR برای همه مضامین کمتر از ۰/۰۸ بوده و کمترین مقدار آن مربوط به مضمون «تمایلات مدیریتی و فشارهای بازار» ۰/۰۱۱ و بیشترین مقدار آن مربوط به مضمون «سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر» ۰/۰۵ است. همچنین، نسبت کای‌دو به درجه آزادی در تمامی مضامین کمتر از ۳ گزارش شده است؛ به‌طوری که کمترین مقدار مربوط به

مضمون «سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر» ۱/۳۳ و بیشترین مقدار مربوط به مضمون «سرمایه ساختاری آینده‌نگر» ۲/۲۱ است. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که همه مضامین از برازش مطلوبی برخوردارند و تفاوت‌های مشاهده‌شده میان شاخص‌های برازش نیز در محدوده قابل قبول قرار دارد؛ بنابراین، مدل اندازه‌گیری برای تمامی مضامین از اعتبار و برازش مناسبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

گزارشگری مالی سنتی به دلیل تمرکز بر عملکرد گذشته، قادر به تبیین کامل فرایند ایجاد ارزش در شرکت‌ها نیست و بخش مهمی از دارایی‌های نامشهود به‌ویژه سرمایه فکری را منعکس نمی‌کند. سرمایه فکری که بر پایه دانش، نوآوری و توانمندی انسانی شکل می‌گیرد، نقش محوری در موفقیت بلندمدت سازمان‌ها دارد و افشای آن با رویکرد آینده‌نگر می‌تواند شفافیت را افزایش داده و تصمیم‌گیری ذی‌نفعان را بهبود بخشد. این نوع افشا شامل برنامه‌ها، فرصت‌ها و ریسک‌های مرتبط با بهره‌گیری از منابع دانشی است، اما به دلیل نبود چارچوب‌های استاندارد و ملاحظات رقابتی، هنوز به‌طور گسترده انجام نمی‌شود. با وجود تبیین‌های نظری مختلف، الگوی منسجمی برای افشای سرمایه فکری آینده‌نگر وجود ندارد و در ایران نیز پژوهش‌های این حوزه محدود است؛ از این رو این مطالعه به ارائه الگویی برای افشای سرمایه فکری آینده‌نگر پرداخت. الگوی کیفی شامل ۷ مضمون فراگیر، ۱۵ مضمون سازمان‌دهنده و ۶۶ مضمون پایه به شرح زیر است:

۱. مضمون فراگیر ظرفیت‌ها و الزامات ساختاری: این مضمون فراگیر از دو مضمون سازمان‌دهنده تشکیل شده است. مضمون سازمان‌دهنده نخست با عنوان «ساختار حاکمیت و تنوع هیئت مدیره» شامل چهار مضمون پایه است: تنوع جنسیتی و استقلال در هیئت مدیره، اندازه و ساختار کمیته‌های تخصصی، ساختار مالکیت اعم از نهادی یا متمرکز، و سیاست‌های نظارتی هیئت مدیره بر افشای غیرمالی. مضمون سازمان‌دهنده دوم با عنوان «ویژگی‌های مالی و عملیاتی شرکت» پنج مضمون پایه را در بر می‌گیرد: اندازه و سودآوری شرکت، اهرم مالی، نرخ رشد فروش و دارایی‌ها، و نوع صنعت و میزان حساسیت محیطی آن. مطالعه کیلیچ و کوزی (۲۰۱۸) با بررسی تعیین‌کنندگان افشا، همسویی مستقیمی با مضامین پایه «تنوع جنسیتی در هیئت مدیره»

و «اندازه شرکت» دارد و نشان می‌دهد که حضور زنان و بزرگ‌تر بودن مقیاس شرکت، محرک‌های اصلی افشای اطلاعات آینده‌نگر هستند. همچنین یافته‌های منیکوچی و پائولوچی (۲۰۱۹) تأیید می‌کند که «سودآوری» و «نوع صنعت» از عوامل کلیدی تأثیرگذار بر میزان این افشا می‌باشند که دقیقاً با مضامین پایه ویژگی‌های مالی و عملیاتی در الگوی شما مطابقت دارد. علاوه بر این، پژوهش گاراینا و دومای (۲۰۱۷) بر مضامین پایه مرتبط با تمایلات مدیریتی صحنه می‌گذارد و نشان می‌دهد که شرکت‌ها با هدف «کاهش عدم تقارن اطلاعاتی» و «ارسال سیگنال کیفیت» به بازار، اقدام به افشای سرمایه فکری در امیدنامه‌های خود می‌کنند. در نهایت، مطالعه بیریندلی و همکاران (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که بانک‌های سالم برای حفظ «مشروعیت و اعتماد عمومی»، تمایل بیشتری به افشای استراتژی‌های بلندمدت دارند.

۲. مضمون فراگیر تمایلات مدیریتی و فشارهای بازار: این بخش شامل دو مضمون سازمان‌دهنده است. نخست، «انگیزه‌های اطلاعاتی و نمایندگی» که سه مضمون پایه را در خود دارد: نیاز به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، نیاز به کاهش هزینه‌های نمایندگی و ارسال سیگنال کیفیت به بازار سرمایه. مضمون سازمان‌دهنده دوم با عنوان «فشارهای اجتماعی و کسب مشروعیت» نیز دو مضمون پایه را شامل می‌شود: کسب مشروعیت و اعتماد عمومی و فشار ذی‌نفعان برای افزایش شفافیت. پاراگراف دوم: همسویی با مضامین پایه «فرآیند افشا - بُعد سرمایه انسانی آینده‌نگر «مضامین پایه شناسایی شده در بُعد سرمایه انسانی، همسویی قابل توجهی با ادبیات موجود دارند. پژوهش بیریندلی و همکاران (۲۰۲۰) در تحلیل محتوای گزارش‌های بانکی، بر اهمیت افشای شاخص‌هایی نظیر «آموزش»، «تعهد کارکنان» و «تنوع» تأکید کرده است که مستقیماً از مضامین پایه «بودجه و برنامه‌های آموزش» و «اهداف مربوط به تنوع نیروی کار» در مدل شما پشتیبانی می‌کند. همچنین منیکوچی و پائولوچی (۲۰۱۹) نشان دادند که افشای اطلاعات مربوط به مهارت‌ها و توانمندی‌های کارکنان بخش جدایی‌ناپذیر گزارشگری یکپارچه است که این امر با مضمون پایه «توسعه استعدادها و شایستگی‌های آتی» همخوانی دارد. این مطالعات نشان می‌دهند که تمرکز بر جنبه‌های کیفی و آتی منابع انسانی، نظیر «رضایت و تعهد»، برای ترسیم چشم‌انداز موفقیت سازمان ضروری است.

۳. مضمون فراگیر بُعد سرمایه انسانی آینده‌نگر: این مضمون فراگیر از دو مضمون سازمان‌دهنده تشکیل شده است. مضمون «توسعه استعدادها و شایستگی‌های آتی» شامل پنج مضمون پایه است: برنامه‌های مدیریت استعداد و جانشین‌پروری، بودجه و برنامه‌های آموزش و توسعه مهارت‌های نوین، فرصت‌های شغلی و مسیر پیشرفت آتی، سیاست‌های جذب و حفظ کارکنان کلیدی و اهداف مرتبط با تنوع نیروی کار. مضمون سازمان‌دهنده دوم با عنوان «رضایت، تعهد و فرهنگ سازمانی» چهار مضمون پایه را در بر می‌گیرد: اهداف مربوط به رضایت و تعهد کارکنان، پیش‌بینی‌های غیبت و جابجایی، ایمنی و سلامت محیط کار با رویکرد آتی، و همسویی فرهنگ سازمانی با استراتژی‌های آینده. پاراگراف سوم: همسویی با مضامین پایه فرآیند افشا - بُعد سرمایه ساختاری آینده‌نگر در رابطه با سرمایه ساختاری، مضامین پایه الگوی شما توسط یافته‌های گاراینا و دومای (۲۰۱۷) به شدت حمایت می‌شود؛ چراکه آن‌ها دریافتند در شرکت‌های مبتنی بر تکنولوژی، افشای اطلاعات مرتبط با «تحقیق و توسعه» و «مالکیت فکری» حیاتی‌ترین بخش برای ارزش‌گذاری آتی شرکت است و این امر مضمون پایه «اهداف و استراتژی‌های تحقیق و توسعه» را تأیید می‌کند. از سوی دیگر، پژوهش کونس و همکاران (۲۰۲۰) با معرفی رویکرد مبتنی بر منابع پویا، بر لزوم تشریح «فرآیندهای مدیریتی» و نحوه تبدیل منابع به ارزش تأکید دارد که همسوی با مضامین پایه «زیرساخت فناوری» و «نوسازی سیستم‌های مدیریتی» است. همچنین اشاره آن‌ها به لزوم سرمایه‌گذاری در تکنولوژی برای خلق ارزش آینده، تأییدکننده مضمون پایه «برنامه‌های سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات» می‌باشد.

۴. مضمون فراگیر بُعد سرمایه ساختاری آینده‌نگر: این بخش شامل دو مضمون سازمان‌دهنده است. نخست «نوآوری، تحقیق و توسعه و مالکیت فکری» که شش مضمون پایه دارد: اهداف و استراتژی‌های تحقیق و توسعه، برنامه‌ریزی برای محصولات و خدمات جدید، وضعیت آتی اختراعات و کپی‌رایت‌ها، سرمایه‌گذاری در تحقیقات پایه و کاربردی، بودجه تخصیص‌یافته به نوآوری و افشای اهداف کمی بهره‌وری سرمایه فکری مانند ضریب ارزش افزوده سرمایه فکری آتی. مضمون سازمان‌دهنده دوم «زیرساخت فناوری و فرآیندهای مدیریتی» شامل هفت مضمون

پایه است: برنامه‌های سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات و دیجیتالی‌سازی، مخارج سرمایه‌ای زیرساختی، استراتژی‌های امنیت سایبری، استفاده از مدل‌سازی کمی برای افشای آینده، نوسازی سیستم‌های مدیریتی و کنترل داخلی، افشای نحوه اتصال ابعاد سرمایه فکری در خلق ارزش و سرمایه‌گذاری آتی زیست‌محیطی. پاراگراف چهارم: همسویی با مضامین پایه «فرآیند افشا - بعد سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر» «شواهد پژوهشی موجود، پشتیبانی محکمی از مضامین پایه سرمایه رابطه‌ای به عمل می‌آورند. منیکوچی و پائولوچی (۲۰۱۹) در نتایج خود دریافتند که بیشترین حجم اطلاعات افشاشده توسط شرکت‌ها مربوط به سرمایه رابطه‌ای است که این امر اهمیت مضامین پایه نظیر «پیش‌بینی رضایت مشتریان» و «برنامه‌های توسعه بازار» را برجسته می‌کند. همچنین بیرندلی و همکاران (۲۰۲۰) در مدل خود مؤلفه‌هایی مانند «شهرت شرکت» و روابط با ذی‌نفعان را به عنوان شاخص‌های کلیدی کیفیت افشا لحاظ کرده‌اند که با مضمون پایه «ارزش و قدرت برند در آینده» و «تعامل با جوامع» در الگوی پیشنهادی شما همسویی کامل دارد. این مطالعات نشان می‌دهند که تمرکز بر مشتریان و شهرت تجاری، محور اصلی گزارشگری برون‌سازمانی آینده‌نگر است.

۵. مضمون فراگیر «بعد سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر: این مضمون فراگیر سه مضمون سازمان‌دهنده دارد. «چشم‌انداز بازار و مشتریان» شامل پنج مضمون پایه است: پیش‌بینی سهم بازار و رشد درآمد، برنامه ورود به بازارهای جدید، پیش‌بینی رضایت و وفاداری مشتریان، استراتژی‌های مدیریت ریسک مشتری و وابستگی به مشتریان کلیدی. مضمون «شهرت، برند و شبکه‌های اجتماعی» چهار مضمون پایه دارد: ارزش و قدرت برند در آینده، اهداف مسئولیت اجتماعی و پایداری، برنامه تعامل با جوامع و ذی‌نفعان و جوایز و تأییدیه‌های مورد انتظار. مضمون سوم «مدیریت روابط استراتژیک» شامل چهار مضمون پایه است: اهداف اتحادیه‌های استراتژیک، توسعه شبکه تأمین و توزیع، تعاملات آتی با قانون‌گذاران و مدیریت ریسک‌های زنجیره تأمین. پاراگراف پنجم: همسویی با مضامین پایه «استانداردهای اطلاعاتی و مدیریت عدم قطعیت» «در خصوص کیفیت و استانداردهای اطلاعات، کیلیچ و کوزی (۲۰۱۸) و منیکوچی و پائولوچی (۲۰۱۹) هر دو بر این نکته تأکید دارند که گزارش‌های فعلی عمدتاً کیفی هستند و فقدان اطلاعات کمی یک چالش است؛ این

یافته ضرورت وجود مضمون پایه «افشای اهداف کمی مالی و غیرمالی» را به عنوان یک نیاز اساسی تأیید می‌کند. علاوه بر این، کونس و همکاران (۲۰۲۰) با پیشنهاد استفاده از مدل‌سازی شبیه‌سازی برای تبدیل روایت‌های کیفی به پیش‌بینی‌های کمی، مستقیماً از مضمون پایه «استفاده از مدل‌سازی کمی و تحلیل سناریو» حمایت می‌کنند. همچنین تأکید ادبیات بر افشای ریسک‌ها در کنار فرصت‌ها، همسوی با مضمون پایه «توضیحات روایی در مورد ریسک‌ها و فرصت‌ها» و مدیریت عدم قطعیت است.

۶. مضمون فراگیر «استانداردهای اطلاعاتی و مدیریت عدم قطعیت: این مضمون از دو مضمون سازمان‌دهنده تشکیل شده است. نخست «ویژگی‌های کمی، کیفی و زمانی اطلاعات» که چهار مضمون پایه را در بر دارد: افشای اهداف کمی مالی مانند EPS و جریان نقد، توضیحات روایی درباره ریسک‌ها و فرصت‌ها، تعیین افق زمانی مشخص و قابلیت اثبات و مقایسه اطلاعات پیش‌نگر. مضمون سازمان‌دهنده دوم «مدیریت عدم قطعیت، ریسک‌های نظارتی و حقوقی» شامل چهار مضمون پایه است: افشای مفروضات کلیدی و تحلیل سناریو، افشای ریسک‌های سیاسی و اقتصادی و زیست‌محیطی، سیاست‌های مدیریت ریسک حقوقی و حفظ اسرار تجاری و پیش‌بینی هزینه‌های انطباق با مقررات. پاراگراف ششم: همسویی با مضامین پایه «بازدهی و عملکرد آتی بازار» «پیامدهای بازارمحور مدل شما با یافته‌های تجربی گاراینا و دوامی (۲۰۱۷) همخوانی کامل دارد. این پژوهشگران نشان دادند که افشای سرمایه فکری آینده‌نگر در زمان عرضه اولیه سهام، تأثیر مثبت و معناداری بر «عملکرد سهام» در بلندمدت دارد و به عنوان ابزاری برای سیگنال‌دهی به سرمایه‌گذاران عمل می‌کند. این یافته‌ها مستقیماً از مضامین پایه «کاهش عدم تقارن اطلاعاتی»، «افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران» و «بهبود نقدشوندگی سهام» پشتیبانی می‌کنند. در واقع، این مقالات استدلال می‌کنند که شفافیت اطلاعاتی در مورد دارایی‌های نامشهود، ریسک برآورد شده توسط بازار را کاهش داده و منجر به بهبود شاخص‌های عملکردی بازار می‌شود.

۷. مضمون فراگیر «بازدهی و عملکرد آتی: این مضمون فراگیر دارای دو مضمون سازمان‌دهنده است. «عملکرد بازار و اعتماد ذی‌نفعان» پنج مضمون پایه را در بر می‌گیرد: کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش هزینه سرمایه، بهبود نقدشوندگی و کاهش نوسان سهام، بهبود دقت پیش‌بینی تحلیلگران و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران.

مضمون سازمان‌دهنده پایانی با عنوان «عملکرد داخلی و پایداری» شامل پنج مضمون پایه است: خلق ارزش بلندمدت برای ذی‌نفعان، پیش‌بینی‌پذیری و ثبات عملکرد، بهبود بهره‌وری عملیاتی، تحقق اهداف توسعه پایدار و دستیابی به مزیت رقابتی پایدار. پاراگراف هفتم: همسویی با مضامین پایه «عملکرد داخلی و پایداری بلندمدت» «نهایتاً در زمینه پیامدهای درون‌سازمانی، کونس و همکاران (۲۰۲۰) استدلال می‌کنند که اتخاذ رویکرد آینده‌نگر در چارچوب گزارشگری یکپارچه، فراتر از یک وظیفه گزارشگری است و منجر به بهبود «تصمیم‌گیری مدیریتی» و درک عمیق‌تر مدیران از پویایی‌های خلق ارزش می‌شود. این دیدگاه همسوی با مضامین پایه «بهبود بهره‌وری و کارایی عملیاتی» و «خلق ارزش بلندمدت» است. همچنین بیرندلی و همکاران (۲۰۲۰) با تفکیک بانک‌های سالم و بحران‌زده، نشان دادند که تمرکز بر استراتژی‌های بلندمدت و پایداری (در مقابل کوتاه‌مدت‌گرایی)، ویژگی بارز سازمان‌های موفق است که این امر مضمون پایه «تحقق اهداف پایداری» و «مزیت رقابتی پایدار» را در الگوی طراحی شده مورد تأیید قرار می‌دهد.

در ادامه بر اساس مضمون‌های فراگیر الگوی کیفی پیشنهادهای کاربردی مطرح شده است:

- ظرفیت‌ها و الزامات ساختاری: برای تقویت افشای اطلاعات پیش‌نگر، شرکت‌ها باید ابتدا بسترهای ساختاری لازم را در سطح حاکمیت شرکتی ایجاد کنند. پیشنهاد می‌شود ترکیب هیئت‌مدیره به سمت تنوع جنسیتی، تخصصی و استقلال بیشتر حرکت کند و کمیته‌های تخصصی نظیر کمیته حسابرسی و کمیته پایداری با اندازه و اختیارات مناسب فعال شوند. همچنین بازنگری در ساختار مالکیت و کاهش تمرکز مالکانه می‌تواند انگیزه پاسخگویی و شفافیت را افزایش دهد. از منظر سیاست‌گذاری، سازمان بورس می‌تواند الزام به انتشار گزارش سالانه از ترکیب هیئت‌مدیره و کمیته‌ها، ساختار مالکیت و سیاست‌های نظارتی هیئت‌مدیره در افشای غیرمالی را تدوین کند و شاخص‌های تنوع و استقلال را به عنوان معیار پذیرش شرکت‌ها در بازار سرمایه لحاظ نماید.
- تمایلات مدیریتی و فشارهای بازار: مدیران باید افشای پیش‌نگر را به عنوان ابزاری راهبردی برای ارسال سیگنال کیفیت به بازار سرمایه به کار گیرند و نظام‌های انگیزشی

مدیران به شاخص‌های شفافیت و پاسخگویی گره بخورد. فشار ذی‌نفعان اجتماعی و نهادهای برای کسب مشروعیت ایجاب می‌کند شرکت‌ها جلسات گفت‌وگو با سهامداران، انتشار گزارش‌های پایداری و رعایت استانداردهای بین‌المللی را انجام دهند. تدوین دستورالعمل افشای اطلاعات پیش‌نگر در قالب گزارش‌های سالانه و میان‌دوره‌ای، همراه با معیارهای شفافیت و کیفیت اطلاعات و نظارت بر رعایت آن برای ارتقای اعتماد سرمایه‌گذاران به مدیران سازمان بورس پیشنهاد می‌شود.

- سرمایه انسانی آینده‌نگر: شرکت‌ها باید برنامه‌های مدیریت استعداد و جانشین‌پروری را به صورت شفاف افشا کنند و بودجه مشخص برای آموزش مهارت‌های نوین، مسیرهای پیشرفت شغلی، سیاست‌های جذب و نگهداشت کارکنان کلیدی و ارتقای تنوع نیروی کار اختصاص دهند. همچنین شاخص‌هایی درباره رضایت و تعهد کارکنان، پیش‌بینی نرخ جابجایی و برنامه‌های ایمنی و سلامت محیط کار باید گزارش شوند. الزام به افشای شاخص‌های کلیدی سرمایه انسانی، از جمله نرخ حفظ و رضایت کارکنان و برنامه‌های توسعه مهارت، به عنوان بخشی از الزامات گزارشگری غیرمالی شرکت‌ها به مدیران سازمان بورس پیشنهاد می‌شود.
- سرمایه ساختاری آینده‌نگر: اهداف تحقیق و توسعه، برنامه معرفی محصولات جدید، وضعیت آتی مالکیت فکری و بودجه نوآوری باید به صورت نظام‌مند افشا شود. سرمایه‌گذاری در فناوری، دیجیتال سازی، امنیت سایبری و مدل‌سازی کمی برای پیش‌بینی سناریوها باید تبیین گردد. ایجاد چارچوب گزارشگری نوآوری و سرمایه فکری، شامل شاخص‌های کمی بهره‌وری سرمایه فکری و برنامه‌های تحقیق و توسعه، و الزام شرکت‌ها به افشای بودجه و اهداف آینده برای سرمایه‌گذاری‌های فناورانه و مالکیت فکری به مدیران سازمان بورس پیشنهاد می‌شود.
- سرمایه رابطه‌ای آینده‌نگر: شرکت‌ها باید چشم‌انداز بازار و مشتریان، اهداف رشد درآمد، برنامه ورود به بازارهای جدید، استراتژی‌های مدیریت ریسک مشتری و وابستگی به مشتریان کلیدی را ارائه دهند. همچنین ارزش برند، برنامه‌های مسئولیت اجتماعی، تعامل با جوامع محلی و شبکه‌های اجتماعی و اهداف اتحادهای تجاری باید گزارش شوند. تدوین شاخص‌های استاندارد افشای سرمایه رابطه‌ای، شامل رضایت مشتری، قدرت برند و فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، و الزام انتشار

برنامه‌های توسعه شبکه تأمین و اتحادهای استراتژیک به مدیران سازمان بورس پیشنهاد می‌شود.

- استانداردهای اطلاعاتی و مدیریت عدم قطعیت: کیفیت افشای پیش‌نگر وابسته به ویژگی‌های کمی، کیفی و زمانی اطلاعات است. اهداف مالی پیش‌بینی‌شده، توضیحات ریسک و فرصت، افق زمانی، مفروضات کلیدی و تحلیل سناریو باید گزارش شوند. تدوین استانداردهای افشای اطلاعات پیش‌نگر شامل شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و روایی، چارچوب تحلیل سناریو و افشای ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی، همراه با نظارت و اعتبارسنجی توسط حسابرس مستقل به مدیران سازمان بورس پیشنهاد می‌شود.
- بازدهی و عملکرد آتی: افشای سرمایه فکری پیش‌نگر باید به بهبود عملکرد بازار و داخلی شرکت منجر شود. پیشنهاد می‌شود اثرات افشا بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، هزینه سرمایه، نقدشوندگی سهام و دقت پیش‌بینی تحلیلگران ارزیابی شود. در سطح داخلی نیز شاخص‌هایی برای خلق ارزش بلندمدت، بهره‌وری، ثبات عملکرد و تحقق اهداف پایداری تعریف گردد. هم‌چنین تعیین الزامات گزارشگری عملکرد آتی شامل شاخص‌های بازار و داخلی، و پایش اثرات افشای سرمایه فکری بر اعتماد سرمایه‌گذاران و پایداری بنگاه‌ها به مدیران سازمان بورس پیشنهاد می‌شود. یکی از مهمترین محدودیت‌های این پژوهش کمبود وجود پژوهش‌های مشابه در خصوص افشای سرمایه فکری می‌باشد، که محقق را در مقایسه یافته‌های خود با محدودیت مواجه نموده است. مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، محدودیت ذاتی پرسشنامه است. تدوین الگوی افشای سرمایه فکری با رویکرد فراتحلیل، تدوین الگوی افشای سرمایه فکری در گزارشات سالانه شرکت با رویکرد نظریه داده‌بنیاد، و تدوین الگوی افشای محیطی در گزارشات سالانه شرکت با رویکرد فراترکیب به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد.

یادداشت‌ها

1. Financial Reporting
2. De Villiers et al.
3. Robb et al.
4. Intellectual Capital Reporting
5. Lev
6. Edvinsson & Malone
7. Intellectual Capital Reporting
8. Polo & Vázquez
9. International Integrated Reporting Council (IIRC)
10. Dumay & Cai
11. Forward Looking Disclosure
12. Garanina et al.
13. Tull
14. Backwards-Looking Information
15. Forward-Looking Information
16. Hussainey
17. Aljifri
18. Alkhatib
19. Jensen & Berg
20. Bozzolan et al.
21. Beyer & Dye
22. Williams
23. Beretta
24. Menicucci
25. Bravo
26. Marr
27. Guthrie & Petty
28. Deegan
29. Healy & Palepu
30. An et al.
31. Cinquini et al.
32. Mouritsen et al.
33. Swartz et al.
34. Zambon
35. Nardo & Veltri
36. DeMartini & Paoloni
37. Global Reporting Initiative
38. Venturelli
39. Eccles & Krzus
40. OECD
41. IASB
42. ISSB
43. Stacchezzini et al.
44. Sveiby
45. The skeleton and glue of the organization
46. Brooking
47. Cabrita
48. Schiuma & Neely
49. Kaplan & Norton
50. Mention
51. Barney
52. Teece
53. Barnabè et al.
54. Dynamic Resource-Based View
55. Freeman
56. Suchman
57. Kılıç & Kuzey
58. Meckling
59. Menicucci & Paolucci
60. Spence
61. Adams & Simnett
62. Cheng et al.

- | | |
|-----------------------|---------------------------|
| 63. Garcia-Sánchez | 64. Hall |
| 65. Itami | 66. Maji & Nath |
| 67. Hong & Marnet | 68. Farooq et al. |
| 69. Birindelli et al. | 70. Kunc et al. |
| 71. Saunders et al. | 72. Johnson & Christensen |
| 73. Creswell | |

منابع

- تفتیان، اکرم (۱۴۰۴). بررسی رابطه همزمان سطح افشای اطلاعات آینده‌نگر و عملکرد حسابداری، بازار و اقتصادی در گزارش‌های سالانه با استفاده از سیستم معادلات همزمان (e231419). فصلنامه علمی کارافن، انتشار آنلاین از ۱۳ مهر ۱۴۰۴.
- تفتیان، اکرم و باقی نسب، فرزاد (۱۴۰۴). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شرکت، راهبری شرکتی و قدرت ذی‌نفعان با افشای آینده‌نگر با استفاده از مدل‌های ایستا و پویا. (e231290) فصلنامه علمی کارافن، انتشار آنلاین از ۱۲ مهر ۱۴۰۴.
- تفتیان، اکرم؛ منصوری محمدآبادی، فاطمه، حسن زاده نفوتی، محمد (۱۴۰۳). بررسی انگیزه‌های مدیران در تغییر افشای اطلاعات آینده‌نگر با استفاده از مدل‌های ایستا و پویا. حسابداری مالی، ۱۶(۶۱)، ۸۴-۶۰.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- خدابخشی، علی؛ دستگیر، محسن و علی احمدی، سعید (۱۴۰۲). تعیین مولفه‌های اثرگذار بر افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی از منظر تئوری نهادی با روش کیفی. مهندسی مدیریت نوین، ۹(۴)، ۵۱-۲۱.
- رامین مهر، حمید و چارستاد، پروانه. (۱۴۰۴). مدلیابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار LISREL. تهران: انتشارات مهربان نشر.
- سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۴۰۱). دستورالعمل افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان. تهران: سازمان بورس و اوراق بهادار.
- سازمان حسابرسی (۱۴۰۲). چارچوب نظری گزارشگری مالی. تهران: سازمان حسابرسی.

عباس زاده، محمد و عباس زاده، محمد (۱۳۹۱). تاملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی،

فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳ (۱)، ۱۹-۳۴

فتوحی خانکهدانی؛ محبوبه، تفتیان، اکرم و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۴۰۱). تدوین الگوی

افشای اطلاعات آینده‌نگر با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد. دانش حسابداری و

حسابرسی مدیریت، ۱۱ (۴۱)، ۱۴۴-۱۲۹.

گیوکی، اکبر؛ گرکز، منصور، صفری گرایلی، مهدی و معطوفی، علیرضا (۱۴۰۳). تدوین الگوی

گزارشگری یکپارچه. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۳ (۵۰)، ۱۶۷-۱۵۳.

مصدق، فاطمه؛ قاسمی، مصطفی و محسنی، عبدالرضا (۱۴۰۵). تدوین الگویی برای مزیت

رقابتی سرمایه فکری و تأثیر آن بر عملکرد مالی. حسابداری، امور مالی و هوش

محاسباتی، ۱، ۲۰-۱.

Abbaszadeh, M., & Abbaszadeh, M. (2012). A reflection on validity and reliability in qualitative research. *Applied Sociology Quarterly*, 23(1), 19-34. (in Persian)

Adams, S., & Simnett, R. (2011). Integrated reporting: An opportunity for Australia's not-for-profit sector. *Australian Accounting Review*, 21(3), 292-301.

Aljifri, K., & Hussainey, K. (2007). The determinants of forward-looking information in annual reports of UAE companies. *Managerial Auditing Journal*, 22 (9), 881-894.

Alkhatib, K. (2014). The determinants of forward-looking information disclosure. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 109, 858-864.

An, Y., Davey, H., & Eggleton, I. R. C. (2011). Towards a comprehensive theoretical framework for voluntary IC disclosure. *Journal of Intellectual Capital*, 12 (4), 571-585.

Audit Organization. (2023). *Conceptual Framework for Financial Reporting*. Tehran: Audit Organization. (in Persian)

Barnabè, F., Giorgino, M. C., & Kunc, M. (2019). Visualizing integrated thinking: A dynamic resource-based perspective. *Meditari Accountancy Research*, 29(4), 824-850.

- Barney, J. (1991). Firm resources and sustained competitive advantage. *Journal of Management*, 17(1), 99–120.
- Beretta, S., & Bozzolan, S. (2004). A framework for the analysis of firm risk communication. *The International Journal of Accounting*, 39 (3), 265–288.
- Beyer, A., & Dye, R. A. (2012). Reputation management and the disclosure of earnings forecasts. *Review of Accounting Studies*, 17(4), 877–912.
- Birindelli, G., Ferretti, P., Chiappini, H., & Cosentino, A. (2020). Intellectual capital disclosure: Some evidence from healthy and distressed banks in Italy. *Sustainability*, 12 (8), 3174.
- Bozzolan, S., Favotto, F., & Ricceri, F. (2003). Italian annual intellectual capital disclosure: An empirical analysis. *Journal of Intellectual Capital*, 4 (4), 543–558.
- Brooking, A. (1996). *Intellectual capital: Core asset for the third millennium enterprise* (1st ed.). International Thomson Business Press.
- Cabrita, M. R. (2009). Intellectual capital as a phenomenon of interrelationships. *International Journal of Business Systems Research*, 3 (3), 229–256.
- Cheng, M., Green, W., Conradie, P., Konishi, N., & Romi, A. (2014). The international integrated reporting framework. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 25(1), 90–119.
- Cinquini, L., Passetti, E., Tenucci, A., & Frey, M. (2012). Analyzing intellectual capital information in sustainability reports: Some empirical evidence. *Journal of Intellectual Capital*, 13 (4), 531–561.
- Creswell, J. W. (2012). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*. (4th Edition). Pearson.
- De Villiers, C., Rinaldi, L., & Unerman, J. (2014). Integrated reporting: Insights, gaps and an agenda for future research. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 27 (7), 1042–1067.

- Deegan, C. (2002). Introduction: The legitimising effect of social and environmental disclosures—A theoretical foundation. *Accounting and Auditing Account Journal*, 15 (2), 282–311.
- DeMartini, P., & Paoloni, P. (2013). Awareness of your own intangible assets. *Journal of Intellectual Capital*, 14(3), 360–375.
- Dumay, J., & Cai, L. (2017). Intellectual capital reporting in the integrated reporting era. *Journal of Intellectual Capital*, 18(1), 49–64.
- Dumay, J., & Tull, J. (2007). Intellectual capital disclosure and price sensitive Australian stock exchange announcements. *Journal of Intellectual Capital*, 8(2), 236–255.
- Dumay, J., Bernardi, C., Guthrie, J., & Demartini, P. (2016). Integrated reporting: A structured literature review. *Accounting Forum*, 40 (3), 166–185.
- Eccles, R. G., & Krzus, M. P. (2018). *The Nordic model: An analysis of leading practices in ESG disclosure*. Nordic Council of Ministers.
- Edvinsson, L., & Malone, M. S. (1997). *Intellectual capital: Realizing your company's true value by finding its hidden brainpower*. HarperBusiness.
- Farooq, M. B., Zaman, R., Bahadar, S., & Rauf, F. (2025). Forward-looking information: Does IIRC framework adoption matter? *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, 16(1), 292–315.
- Fotouhi Khankahdani, M., Taftian, A., & Nazemi Ardakani, M. (2022). Developing a forward-looking information disclosure model using the grounded theory approach. *Management Accounting and Auditing Knowledge*, 11(41), 129–144. (in Persian)
- Freeman, R. E. (1984). *Strategic management: A stakeholder approach*. Boston, MA: Pitman.
- Garanina, T., & Dumay, J. (2017). Forward-looking intellectual capital disclosure in IPOs: Implications for intellectual capital and integrated reporting. *Journal of Intellectual Capital*, 18 (1), 128–148.

- Garanina, T., Dumay, J., & Cai, L. (2017). Intellectual capital disclosure in IPO prospectuses and post-issue stock performance. *Journal of Intellectual Capital*, 18(1), 128–148.
- Garcia-Sánchez, I. M., Rodríguez-Ariza, L., & Frías-Aceituno, J. V. (2013). The cultural system and integrated reporting. *International Business Review*, 22(5), 828–838.
- Givaki, A., Gorgaz, M., Safari Gerayli, M., & Matoufi, A. (2024). Developing an integrated reporting model. *Management Accounting and Auditing Knowledge*, 13(50), 153–167. (in Persian)
- Global Reporting Initiative (GRI). (2011). *G3 sustainability reporting guidelines* (Version 3.1.). GRI.
- Guthrie, J., Petty, R., & Ricceri, F. (2006). The voluntary reporting of intellectual capital. *Journal of Intellectual Capital*, 7(2), 254–271.
- Hall, R. (1992). The strategic analysis of intangible resources. *Strategic Management Journal*, 13(2), 135–144.
- Hariri, N. (2006). *Principles and Methods of Qualitative Research*. Tehran: Islamic Azad University Press. (in Persian)
- Healy, P. M., & Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics*, 31(1–3), 405–440.
- Hong, S. J., & Marnet, O. (2025). Outside board directors' expertise and intellectual capital disclosure: evidence from FTSE 350 companies: SJ Hong, O. Marnet. *International Journal of Disclosure and Governance*, 22(4), 862–895.
- Hussainey, K. (2004). *A study of the ability of (partially) automated disclosure scores to explain the information content of annual report narratives for future earnings* (Unpublished doctoral dissertation). University of Manchester.
- IASB. (2018). *Conceptual Framework for Financial Reporting*. International Accounting Standards Board.
- International Integrated Reporting Council [IIRC]. (2013). *the international IR framework*. <https://www.theiirc.org/wp->

content/uploads/2013/12/13-12-08-THE-
INTERNATIONAL-IR-FRAMEWORK-2-1.pdf

- ISSB. (2023). *IFRS S1: General Requirements for Disclosure of Sustainability-related Financial Information*. International Sustainability Standards Board.
- Jensen, J. C., & Berg, N. (2012). Determinants of traditional sustainability reporting versus integrated reporting: An institutional approach. *Business Strategy and the Environment*, 21 (5), 299–316.
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305–360.
- Johnson, B., & Christensen, L. (2008). *Educational research: Quantitative, qualitative and mixed approaches* (3rd Edition). Los Angeles: Sage Publication.
- Kaplan, R. S., & Norton, D. P. (2004). *Strategy maps: Converting intangible assets into tangible outcomes*. Harvard Business School Press.
- Khodabakhshi, A., Dastgir, M., & Ahmadi, S. A. (2023). Determining the factors affecting voluntary disclosure of non-financial information from the perspective of institutional theory using a qualitative approach. *Modern Management Engineering*, 9(4), 21–51. (in Persian)
- Kılıç, M., & Kuzey, C. (2018). Determinants of forward-looking disclosures in integrated reporting. *Managerial Auditing Journal*, 33 (1), 115–144.
- Kunc, M. H., Giorgino, M. C., & Barnabè, F. (2019). Developing forward-looking orientation in integrated reporting. *Journal of Intellectual Capital*, 29 (4), 823–850.
- Lev, B. (2001). *Intangibles: Management, measurement and reporting*. Brookings Institution Press.
- Lev, B., & Zambon, S. (2003). Intangibles and intellectual capital: An introduction to a special issue. *European Accounting Review*, 12 (4), 597–603.
- Maji, S. G., & Nath, H. J. (2026). Women on corporate board and intellectual capital disclosure: theoretical perspective. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 1-21.

- Marr, B. (2003). Why do firms measure their intellectual capital? *Journal of Intellectual Capital*, 4 (4), 441–464.
- Marr, B., Schiuma, G., & Neely, A. (2004). The dynamics of value creation: Mapping your intellectual performance drivers. *Journal of Intellectual Capital*, 5 (3), 312–325.
- Melloni, G. (2015). Intellectual capital disclosure in integrated reporting: An impression management analysis. *Journal of Intellectual Capital*, 16 (3), 661–680.
- Menicucci, E. (2013). Firms' characteristics and forward-looking information in management commentaries of Italian listed companies. *African Journal of Business Management*, 6 (17), 1667–1674.
- Menicucci, E. (2018). Exploring forward-looking information in integrated reporting: A multidimensional analysis. *Journal of Applied Accounting Research*, 19 (1), 102–121.
- Menicucci, E., & Paolucci, G. (2019). Forward-looking intellectual capital information in integrated reporting: An empirical analysis. *International Journal of Business and Management*, 14 (8), 167.
- Mention, A.-L. (2011). Exploring voluntary reporting of intellectual capital in the banking sector. *Journal of Management Control*, 22 (3), 279–309.
- Mosaddegh, F., Ghasemi, M., & Mohseni, A. (2026). Developing a model for the competitive advantage of intellectual capital and its impact on financial performance. *Accounting, Finance and Computational Intelligence*, 1, 1–20. (in Persian)
- Mouritsen, J., Bukh, P. N., Flagstad, K., Thorbjørnsen, S., Johansen, M. R., Kotnis, S., Larsen, H. T., Nielsen, C., Kjærgaard, I., Krag, L., Jeppesen, G., Haisler, J., & Stakemann, B. (2003). *Intellectual capital statements – The new guideline*. Danish Ministry of Science, Technology and Innovation (DMSTI).
- Nardo, M., & Veltri, S. (2014). On the plausibility of an integrated approach to disclose social and intangible issues. *Social Responsibility Journal*, 10 (3), 416–435.

- Polo, F. C., & Vázquez, D. G. (2008). Social information within the intellectual capital report. *Journal of International Management*, 14 (4), 353–363.
- Raminmehr, H., & Charestad, P. (2025). *Structural Equation Modeling with LISREL Software*. Tehran: Mehraban Nashr. (in Persian)
- Robb, S. W. G., Single, L. E., & Zarzesky, M. T. (2001). Non-financial disclosures across Anglo-American countries. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 10 (1), 71–83.
- Securities and Exchange Organization. (2022). *Directive on Information Disclosure by Companies Listed with the Securities and Exchange Organization*. Tehran: Securities and Exchange Organization. (in Persian)
- Spence, M. (1973). Job market signaling. *Quarterly Journal of Economics*, 87(3), 355–374.
- Stacchezzini, R., Melloni, G., & Lai, A. (2016). Sustainability management and reporting: The role of integrated reporting for communicating corporate sustainability management. *Journal of Cleaner Production*, 136, 102–110.
- Suchman, M. C. (1995). Managing legitimacy: Strategic and institutional approaches. *Academy of Management Review*, 20(3), 571–610.
- Sveiby, K. E. (1997). *The new organizational wealth: Managing and measuring knowledge-based assets*. Berrett-Koehler Publishers.
- Swartz, G. E., Swartz, N. P., & Firer, S. (2006). An empirical examination of the value relevance of intellectual capital using the Ohlson (1995) valuation model. *Meditari Accountancy Research*, 14 (2), 67–81.
- Taftian, A. (2025). Investigating the simultaneous relationship between the level of forward-looking information disclosure and accounting, market, and economic performance in annual reports using simultaneous equation systems. *Karafan Scientific Quarterly*, e231419. Advance online publication. (in Persian)

- Taftian, A., & Baghinasab, F. (2025). Investigating the relationship between firm characteristics, corporate governance, and stakeholder power with forward-looking disclosure using static and dynamic models. *Karafan Scientific Quarterly*, e231290. Advance online publication. (in Persian)
- Taftian, A., Mansouri Mohammadabadi, F., & Hasanzadeh Nafouti, M. (2024). Investigating managers' motivations for changes in forward-looking information disclosure using static and dynamic models. *Financial Accounting*, 16(61), 60–84. (in Persian)
- Taftiyan, A., Nazmi Ardakani, M., & Fotouhi Khankahdani, M. (2021). Evaluating the impact of the categories of the forward-looking information disclosure pattern. *Financial Accounting Knowledge*, 8 (28), 65–92.
- Teece, D. J. (2000). Strategies for managing knowledge assets. *Long Range Planning*, 33(1), 35–54.
- Veltri, S., & Nardo, M. T. (2008). Bilancio sociale e bilancio Del capitale intellettuale: Quali relazioni? *Economia Aziendale Online Rivista dell'Università di Pisa*, 1, 239–260.
- Venturelli, A., Caputo, F., Cosma, S., Leopizzi, R., & Pizzi, S. (2017). Directive 2014/95/EU: Are Italian companies already compliant? *Sustainability*, 9(8), 1385.
- Williams, S. M. (2001). Are intellectual capital performance and disclosure practice related? *Journal of Intellectual Capital*, 2(3), 192–203.

پرسشنامه

میزان اهمیت					شاخص
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
					تنوع جنسیتی و استقلال در هیئت مدیره
					اندازه و ساختار کمیته‌های تخصصی
					ساختار مالکیت (نهادی یا متمرکز)
					سیاست‌های نظارتی هیئت مدیره بر افشای
					اندازه و سودآوری
					اهرم مالی
					نرخ رشد فروش و دارایی‌ها
					نوع صنعت و حساسیت محیطی
					نیاز به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی
					نیاز به کاهش هزینه‌های نمایندگی
					ارسال سیگنال کیفیت به بازار سرمایه
					کسب مشروعیت و اعتماد عمومی
					فشار ذی‌نفعان برای شفافیت
					برنامه‌های مدیریت استعداد و
					بودجه و برنامه‌های آموزش و توسعه
					فرصت‌های شغلی و مسیر پیشرفت شغلی
					سیاست‌های جذب و حفظ کارکنان کلیدی
					اهداف مربوط به تنوع نیروی کار
					اهداف مربوط به رضایت و تعهد کارکنان
					پیش‌بینی‌های غیبت و جابجایی کارکنان
					ایمنی و سلامت محیط کار (برنامه‌های
					همسویی فرهنگ سازمانی با استراتژی‌های
					اهداف و استراتژی‌های تحقیق و توسعه
					برنامه‌ریزی برای محصولات و خدمات
					وضعیت آتی اختراعات و کپی‌رایت‌ها

میزان اهمیت					شاخص
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
					سرمایه‌گذاری در تحقیقات پایه و کاربردی
					بودجه تخصیص یافته به نوآوری
					افشای اهداف کمی برای بهره‌وری سرمایه
					برنامه‌های سرمایه‌گذاری در فناوری
					مخارج سرمایه‌ای برنامه‌ریزی شده برای
					استراتژی‌های امنیت سایبری و حفاظت از
					استفاده از مدل‌سازی کمی و شبیه‌سازی
					نوسازی سیستم‌های مدیریتی و کنترل
					افشای نحوه اتصال و وابستگی ابعاد سرمایه
					سرمایه‌گذاری آتی در حفاظت از محیط
					پیش‌بینی سهم بازار و اهداف رشد درآمد
					برنامه‌های ورود به بازارهای جدید
					پیش‌بینی رضایت و وفاداری مشتریان
					استراتژی‌های مدیریت ریسک‌های مشتری
					وابستگی به مشتریان کلیدی
					ارزش و قدرت برند در آینده و برنامه‌های
					اهداف مربوط به مسئولیت اجتماعی و
					برنامه‌های تعامل با جوامع و ذی‌نفعان
					جوایز و تاییدیه‌های مورد انتظار
					اهداف اتحادهای استراتژیک و مشارکت‌ها
					برنامه‌های توسعه شبکه تأمین و توزیع آتی
					تعاملات آتی با قانون‌گذاران و نهادهای
					مدیریت ریسک‌های زنجیره تأمین
					افشای اهداف کمی مالی (مانند EPS و
					توضیحات روایی در مورد ریسک‌ها و
					افق زمانی مشخص (کوتاه‌مدت، میان‌مدت،
					قابلیت اثبات و مقایسه اطلاعات پیش‌نگر

میزان اهمیت					شاخص
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
					افشای مفروضات کلیدی و تحلیل سناریو
					افشای ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و
					افشای سیاست‌های مدیریت ریسک حقوقی
					پیش‌بینی هزینه‌های انطباق با مقررات و
					کاهش عدم تقارن اطلاعاتی
					کاهش هزینه سرمایه
					بهبود نقدشوندگی و کاهش نوسان‌پذیری
					بهبود دقت پیش‌بینی‌های تحلیلگران مالی
					افزایش اعتماد و اطمینان سرمایه‌گذاران
					خلق ارزش بلندمدت برای ذی‌نفعان
					پیش‌بینی‌پذیری و ثبات عملکرد
					بهبود بهره‌وری و کارایی عملیاتی
					تحقق اهداف پایداری و توسعه پایدار
					مزیت رقابتی پایدار